

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۶ صفحه

بیکار ۵۸

سال دوم - دوشنبه ۱۹ خرداد ۱۳۵۹ به ۲۰ ریال

۲۳ خرداد یکی دیگر از روزهای خونین تاریخ مبارزات کارگران ایران است در این روز جلادان رژیم وابسته به امپریالیسم شاه خائن دهها کارگر کوره یزخانه را با گلوله های آمریکائی به خاک و خون کشیدند.

یادشان گرامی و خاطره شان جاودان باد!



گرامی باد سالگرد ۲۳ خرداد... در صفحه ۳

درباره «بودجه» دولت بنی صدر - ۱

هفته گذشته ولین بودجه (۱) دولت جمهوری اسلامی در روزنامه ها اعلام گردید. این برنامه اقتصادی - که آئینه تمام نمای یک دولت سرمایه داری است - پس از گذشت بیش از ۱۵ ماه از زمان مینیمم مابعدوین شده است.

دولت بنی صدر اطمینان دارد که بودجه دولت خود را به صورت مجلس خواهد رساند، گواهی که بدون تک مجلس مابعدیش را خوب این سرمایه جگ و خانه های دربار و سرخی از جوشان آن خواهد زد. بودجه سال ۱۳۵۹ دولت بنی صدر دهنده مابعد ارجحی حاکمیتی است که در طول پیش از تکمال است، هر کوشی برای بازسازی نظام سرمایه داری وابسته زده است. بودجه دولت بنی صدر در صفحه ۲

انقلاب مسلحانه خلق عمان: ۱۵ سال پیشرو و مقاومت

سرد علیه امیرالاستهای انگلیسی و آمریکائی و ارتجاع محلی را برافراشته نگه داشته است. انقلاب عمان طی سالهای اول فعالیت خود در آزاد کردن بخش جنوبی عمان (ظفار) و در تبلیغ انقلابی علیه رژیمهای دست نشاندۀ منطقه خلیج، در بالا سردن آگاهی توده های عمانی و تربیت سازماندهی آنان نقش مهمی ایفا کرد.

امیرالاستها برای فرونشاندن این شعله انقلاب که منافع غارتگران عمان را در سرسراستین منطقه فقیرتهدید می نمود، دست به توطئه های گوناگون زدند. ابتدا رژیم سلطان بن تیمور را که از عقب مانده ترین حکومت های دست نشاندۀ انگلیس بود با یک کودتای سفید فرمائی برانداختند. رژیم او با خونت با ترس روشها توده های فقیر را از ابتدائی ترس حقوق اولیه زندگی امروزی نظیر داشتن مدرسه و بیمارستان محروم می نمود و آنان را در اثر بی تردگی قرون وسطائی و مناسبات تولیدی بسیار ابتدائی نگه می داشت.

رئیس انقلاب در استان جنوبی و بالا رفتن خواست های عمومی، امیرالاستها انگلیس را مزورانه به سفیر چهره رژیم او داشت. قابوس فرزند سلطان را که در بنی صدر در صفحه ۱۳

سپه زوش (۱۹ خرداد) مصادف است با یاد همسالی سالگرد انقلاب مسلحانه خلق عمان. انقلابی که در یکی از مهمترین مناطق استراتژیک جهان بر محم خوسن

اطلاعیه کمیته کردستان سازمان در باره پیام سازمان چریکهای فدایی خلق و حزب دمکرات کردستان

صفحه ۵

در صفحات دیگر این شماره:

- مثل همیشه "حزب توده" در مقابل توده صفحه ۱۵
- دهقانان و جنبش انقلابی (۱) صفحه ۷
- مبارزات زحمتکشان بی مسکن ادامه دارد صفحه ۱۵
- آخرین گام برای "تثبیت قانونی" جمهوری اسلامی (۲) صفحه ۱۰

وظیفه کارگران آگاه و نیروهای انقلابی در قبال "تشکیلات کارگری" صفحه ۳

مفهوم دادگاه «عدل اسلامی»

● "عدل اسلامی" این آقایان - کجنگه رانیسماز می شعرد و از اعمال آن بیروائی ندارد. آنها برای دردم نکستن روحیه زندانی بارخدا صفحه های اعدام ترتیب میدهند. رفیق شهید احمد مؤذن نیز که بهیچوجه تنها نمونه نیست، تحت چنین کجنگه ای قرار گرفت.

مسئله "دادگاهها" و زندانها در سیاسی، در حیات سیاسی جامعه ایران، همواره از اهمیت بسویژه ای برخوردار بوده است. رژیم دیکتاتوری وابسته به بنی صدر در صفحه ۸

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱

شرباره ...

بسی صد در اصول... همانا نظر که بعد آستان خواهم داد... هیچ تفاوتی با بودجه و برنام مدبرین دولتی دوران شاه ندا رود...

و با لخره این برنامها اقتصاد بیس از ماها "تلائ" بیگیرانه همین هاتیه گردید و خود سردمداران رژیم نیز خولانه اظهار داشتند که "توافق فراوان دارا و متاسفانه برنامها" بدهال "نیست" جمهوری اسلامی "ما معدودی... که حکومتگران مدتها وسیله تحقیق نودهها قرار داده بودند...

۱- انگاء مطلق به درآمد نفت

ابتدا لازم است راجع به بحث نفت در اقتصاد ایران توضیحاتی بدهیم و برای اینکار لازم است کمی بعقب بازگردیم... همطورا نقش بسیار مهمی در تولید ملی دارا و این منبع بزرگ مبنی بویزه در دهه ۵۰ عامل مهمی در تحولات اقتصادی بوده است...

همانطور که میدانیم کشورهای امپریالیستی در ازای دریافت نفت از کشورهای تحت سلطه پردا حتی زای پول خودا نجا میدهند... انگاء مطلق به درآمد نفت... در کشور ما برای اولین بار در سال ۱۳۲۸ قمری (۱۳۲۰ شمسی) بودجه ملی بودجه دولتی تنظیم و به مجلس رفت...

در سطح بین المللی دارای اعتباری نیست و در مبادلات بین المللی مورد خرید و فروش و مبادله قرار نمیگیرد... در سال ۱۳۲۰ شمسی بودجه دولتی تنظیم و به مجلس رفت...

میرود و ما از سوی دیگر این تحول اثرات خود را بر روی تورم نیز باقی گذاشته است... در حالی که تقاضای اقتصاد رفته رفته در حال افزایش است...

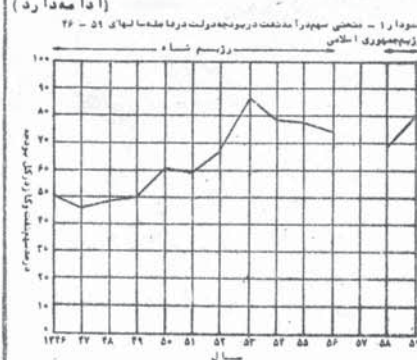
بودجه دولت بنی بر د راصل هیچ تفاوتی با بودجه و برنام مدبرین دولتی دوران شاه ندارد و در همتان چهار چوب ریخته شده است.

کشور ایران که هر روز و هر ساعت نفت خود را با دلار معاوضه می کند هیچ چاره ای ندارد جز اینکه دائما کالا های امپریالیستی خریداری و آنها را وارد بازار داخلی کرده و با فروش آنها رمال دریافتی را مورد استفاده قرار دهد.

بزرگی است زیرا در این سال عایدات دولت از محل مالیات فقط ۱۱/۳ درصد میباشد... در سالهای بعد از ۵۴ نیز سهم نفت بیشترین رقمها را در بودجه تشکیل میدهد...

اینست که می بینیم بلافاصله پس از سال ۵۳ تورم ابعاد گسترده وسیعی پیدا میکند و تا به امروز که سرما بدهای را وابسته به مرزا نجار رسیده است...

در بودجه یعنی در سهم نفت در درآمد دولت ۸۰ درصد بیش یعنی شده است و ۲۰ درصد باقی مانده نیز مربوط به درآمد های مالیاتی و سایر درآمدها (درآمد های انتفاعی دولت نظیر راه آهن...)



رفقای هوادار! دوستان مبارز! کمکهای مالی خود را از هر طریق که میتوانید بدست ما برسانید.

(۱) - بودجه برنامها مالی دولت برای یکسال است که شامل بیشترین درآمدها و سایر منابع اعتباری و برآورد هزینهها برای حصول به هدف های دولت می باشد... (۲) - البته بخشی از این پول بصورت وام اعتباری... (۳) - در کشور ما برای اولین بار در سال ۱۳۲۸ قمری (۱۳۲۰ شمسی) بودجه دولتی تنظیم و به مجلس رفت...

جنبش کارگری



گرامی بادیاد کارگران شهید ۲۳ خرداد ۱۳۳۸ کوره پزخانه‌ها

وقتی کارگران همچنان مردانه ایستادند و برخواستهای خود پای فشردند، غرض سلسله‌ها و تفنگ دژخیمان چکه بوش بعنوان آخرین پاسخ رژیم وابسته به امپریالیسم وارد میدان شد، ۵۰ تن کارگر زنده و رادریخون غرقه ساخت. یادشان گرامی باد!

وظیفه کارگران آگاه و نیروهای انقلابی در قبال "تشکیلات کارگری"

در ماه‌های قبل از قیام میرنگوه بهمن ماه ۵۹، همراه با اوج گیری مبارزات خلقیای قهرمان ایران، هر روز گروه‌های بیشتری از توده‌های میلیونی به صفوف مبارزه علیه رژیم پیوسته‌سرمایه‌داری وابسته شاه خائنی می‌پیوستند. در این میان کارگران ابتدا با اعتصابات صنفی جداگانه و سپس اعتصابات صنفی سرسری و همتر از آن بعداً "با برخی اعتصابات و نظارات سیاسی در مبارزات مردم علیه استعمار سرمایه‌داری وابسته، شرکت نمودند. در جریان این مبارزات کارگران بیش از پیش به لزوم ایجاد سازمان‌ها و تشکیلات کارگری پی می‌بردند. آنها در عمل در می‌یافتند که در صورت وجود تشکیلات کارگری، هماهنگی، ترسیمیتر متواضعانه مبارزات خود را پیش ببرند، برهم زدن برخی از سندیکا‌های زرد کارگری و ایجاد کمیته‌های اعتصابی و سندیکا‌های واقعی پیش از قیام مبنی بر خودشان ندهنده‌ها را از قوت آنها می‌کاهد. همزمان با رشد مبارزات مردم، مبارزات کارگران نیز هر روز اوج بیشتری میگرفت. اعتصابات سیاسی کارگران شرکت یافت، نظارات سیاسی کارگران در تهران و... نشان‌دهنده این اوجگیری، پیش از قیام مینماید. اما کارگران نه‌مصرف یک طبقه مستقل، بلکه شکل‌یافته در مبارزات قبل از قیام شرکت میکردند. کارگران از رهبری آگاه برخوردار نبودند و هنوز سطح آگاهی نداشتند. - های وسیعی از آنها بسیار ناآشنا بود. (درجه تمرکز (۱) کارگران در ایران با این بوده و همین خود باعث پراکندگی هرچه بیشتر کارگران از یکدیگر میگردد. هنوز توده‌های وسیعی از طبقه کارگر، کارگران جدیدی بودند که از روش‌ها آگاه نبودند و به همین جهت آنها را بسیار ناآشنا و ناآشنا می‌پندارند.

انقلاب به علت سازش لیبرالیتهای خائنی با امپریالیسم و دستاوردی رهبری خرد سوز و آزی از آن تا تماماً قیام نماند و امکان گسترده‌تر شدن تشکیلات کارگری در پیش از قیام موجود نبود. همه نظور که گفتیم قبل از قیام، کارگران در تعدادی از کارخانه‌ها و موسسات سندیکا‌های زرد شاهنشاهی را منحل کردند و کمیته‌ها و سندیکا‌های واقعی خود را بوجود آوردند. بعد از قیام این مسئله شدت گرفت و تقریباً در تمام موسسات و کارخانه‌ها، کارگران سندیکا‌های واقعی خود را بوجود آوردند که آنها را "سورا" نامیدند.

انتخابات تورا‌هایی که بلافاصله بعد از قیام بوجود آمدند، انتخاباتی دموکراتیک و واقعی بود. چون عوامل کارفرمایان و دولت در مقابل بل‌بلند قدرت تا میدهند.

انتخابات تورا‌هایی که بلافاصله بعد از قیام بوجود آمدند، انتخاباتی دموکراتیک و واقعی بود. چون عوامل کارفرمایان و دولت در مقابل بل‌بلند قدرت تا میدهند.

(۱) - نسبت کارگراسی که در کارخانه‌های بزرگ یک کشور مشغول به کارند به کل کارگران آن کشور را، درجه تمرکزی گویند.

انقلابی به پیشوا از انقلاب شناخته‌شده و نگا که جنبش انقلابی بعلل مختلف به نکتت گرا شده و فرورگوش نموده است، با زاین طبقه کارگر پیوسته‌سرمایه‌داری است. ستم و استعمار تشدید شده و ددمنشی‌های ارتجاع قدرت گرفته را بردوش کشیده است. طبیعی است که این روند تا زمانیکه طبقه کارگر خود قدرت سیاسی را یک نگرفته، همچنان ادامه خواهد داشت.

وقتی پس از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد ۳۲ و تسلیم طلسمی زبونا نه، سران حزب توده، موجی دیگر از اعتلای انقلابی درآلپها ۲۲ - ۳۸، مینماید را فرا گرفت، این با رتینیز فریا درسا و برصولت طبقه کارگر که زگلوئی کارگران قهرمان کوره پزخانه‌ها برمی آمد، بود که بشا رت فروریختن دژهای ارتجاع و سرفرازی خلق را در فضای مینمان نطنین افکس ساخت. این سطور با آدن کارگران دلاورنوشسته می شود:

بی گمان کاردر کوره بیزی‌ها، از شاق تریسین کارهاست، جاده‌های خاک، محیط پرگردوغبار، عدم

بقیه در صفحه ۱۴



تاریخ تمام انقلابات اجتماعی و مبارزات و جنبش‌های ترقیبخواهانه که از بدو تولد سرمایه‌داری بوقوع پیوسته است، با شواهد و مدارک غیرقابل انکار تاریخی ثابت میکنند که طبقه کارگر تنها طبقه انقلابی و تا آخرین گبرزما نه، است. طبقه کارگر، این طبقه زحمتکش دوران ما رسالت تاریخی خود را در برانداختن ستم و استعمار فرودآزفرد، با رشادت و قهرمانی‌های بی نظیری در تمام مهبیکا‌های طبقاتی بر ضد سرمایه‌داری و فرار گرفتن در صفا اول هر مبارزه انقلابی و مترقی که در خدمت نا بودی ستم و استعمار باشد، بویا عرضه سوسالیسم کارگری که برای اولین بار در تاریخ بشریت، حاکمیت انسان بر تولید و فرار گرفتن نعمت زندگی در خدمت تولیدکنندگان واقعی یعنی کارگران و زحمتکشان را عملی ساخته، به انبساط رسانده است.

طبقه کارگر ایران سرنوشته جدا از همزمان طبقه‌های خود در دیگر نقاط جهان ندارد. او نیز علیرغم کار و زحمت تپای جان، از ابتدائی ترین مبارزات زندگی و از حاصل دسترنج خود محروم است. طبقه کارگر ایران نه تنها ستم و استعمار طبقه سرمایه‌داری را خلی بلکه بیشتر و تندتر از آن، ستم و استعمار امپریالیستی و سرمایه‌جانی را نیز منحل می‌نماید. درست است که طبقه کارگر مینمان وظیفه، عاجل خود را در برانداختن حاکمیت سرمایه، مقدمتاً در نا بودی سلطه فارتگران و استعمار امپریالیستی، سرمایه‌داری جهانی و نظام سرمایه‌داری وابسته می‌بیند.

دفتر خویشین مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقیای ایران در ۷۰ سال اخیر، در سطر نظرخودسینا نگرابن واقعیت روشن و انکارنا پذیر است که طبقه کارگر ایران و بیشتر ولانش با دلاوری، ها و جانبیازها همواره وظایف دموکراتیک - ضد امپریالیستی خود را با قاطعیت و بی‌گیری تمام به انجام می‌رسانده است. هر بار که مبارزه اوج گرفته و اعتلای انقلابی، جامعه را در لپیبت سوزان تحولات انقلابی فرسوده است، طبقه کارگر با شورش و عزم

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

خلقها و مسئله ملی



اطلاعیه سازمان پیکار درواه آزادی طبقه کارگر - کمیته کردستان

دوباره پیام سازمان چریکهای فدایی خلق و حزب دمکرات کردستان



خلق مبارز کرد!

اخبار بیامی متحرکی از طرف سازمان چریکهای فدایی خلق و حزب دمکرات کردستان در ارتباط با مسائل کردستان منتشر گردید. ما لازم میدانیم ضمن برخورد به نکاتی که در این پیام مطرح گردیده اند، موضع خویش را راجع به موقعیت فعلی کردستان اعلام داریم.

در بیامی فوق آمده است: "سپس از دو ماه است که آتش جنگ تحمیلی را در کردستان برآورده اند" و "تشدید محاصرات موجود در کردستان در موقعیتی که مردم ما درگیر یک مبارزه ناسازگار و سرنوشت ساز با امپریالیسم جهانی به سرگردگی امپریالیسم آمریکا میباشند و... به مبارزات فدا میریالیسمی - دموکراتیک مردم میهن ما لطفاً تندی و اوج خود را هدایت کنید." "امپریالیسم آمریکا همه متحدان داخلی آن بشمار میآورد و دیگر سزای شده اند به قیمت که شده مبارزات مردم ما علیه امپریالیسم را همه مبارزات میان زمین و آسمان صفوف مردم بدل کنند و با ابعاد و دامین زدن به جنگ برادرش و جدت خلقها و زحمتکاران ایران را خدشه دار سازند."

ما از همه مردم هشیار و کرد عوت می کنیم با دقت این جملات را مورد توجه قرار دهند. ما سؤال میکنیم آتش جنگ تحمیلی در کردستان را چه کسی "برآورده" است؟ چه کسی با "تشدید جنگ" (با بقول پیاسام "محاصرات") در کردستان به مبارزات فدا میریالیسمی و دموکراتیک مردم میهن ما لطفاً تندی وارد میسازند؟ متحدان داخلی امپریالیسم آمریکا چه کسانی هستند که مبارزات مردم ما علیه امپریالیسم را به مبارزات میان صفوف مردم بدل می کنند و وحدت خلقها و زحمتکاران ایران را خدشه دار می سازند؟ چرا در این شرایط حسابی از مبارزات دموکراتیک - فدا میریالیسمی خلقهای سراسر ایران و مبارزات ما دلانه خلق کرد که لازم است صف دوستان و دشمنان خلق کرد و سایر خلقهای ایران، صف میان انقلاب و فدا انقلاب بشمار آورده شود؟ روشن تر کرده، اما "کشتندگان" "پیام" فوق حقایق را با مردم در میان نمی گذارند و ذهن آنها را در باره دشمنان خلق کرد و خلقهای سراسر ایران مغموش می کنند؟ مگر جز اینست که این هیئت حاکمه و ارجح

اخباری کوتاه از کردستان قهرمان

★ اعتراض خانواده ها نسبت به اعزام فرزندانشان به کردستان اردیبهشت - چندی پیش (حدود ۵۹/۳/۹) عده ای از مردم اردبیل جلوی دکان این شهر اجتماع کرده و ضمن اعتراض به اعزام فرزندانشان به کردستان خواهش با زکمت آنها شدند. از ستونی که از این شهر به کردستان اعزام شده تنها ۳۵ نفر جان سالم به در برده اند.

★ انفجار محل استقرار جاشها کرمانشا - در تاریخ ۵۹/۳/۱۳ در اثر انفجار بمبی در هتل محل اقامت جاشها عده ای از آنها کشته و زخمی می شوند.

★ هجوم پاسداران بعد از "جاشی کسان" در تاریخ ۵۹/۳/۱۳ پاسداران بعد از "جاشی کسان" حمله کرده و چند نفر را کشته می کنند. آنها در این تنها حمله بیشتر کرده های قهرمان روروش بودند و طی یک درگیری ۲۵ نفر از پاسداران کشته و ۶ بیشتر کشته شد.

★ بهاران روستاهای بانه بانه (۵۹/۳/۱۳) - ارتش ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی با فاش نمودن آمریکا شی بدت دوروز روستاهای اطراف با شهادت بسیاران نمودند. در جریان این تهاجم و حمله ۵ روستا در هم کوبیده شد و عده ای از اهالی آن کشته و زخمی شدند.

★ غارت اموال واحشام مردم قارنا در تاریخ ۵۹/۳/۱۴ مزدوران و عوامل ملاحسنی تعدادی از خانه های روستای قارنا را به آتش کشیدند و قسمتی از اموال و احشام روستایان را غارت کردند.

★ دستگیری دو تن از جاشها سفر - در تاریخ ۵۹/۳/۱۴ شب هنگام دو تن از جاشهای این شهر بنا به اطلاع عزیز پیرو علی رشیدی توسط بیشتر کرده های دمکرات دستگیر و به یوکان منتقل شده اند.

★ حمله مردم به پاسداران سفر - طبق اخبار رسیده، ساعت ۱۰ صبح روز ۵۹/۳/۱۵ تعدادی از پاسداران و افراد ارتش با شترها شی علیه جنینش مقاومت خلق کرد و اربابان شهر شده و بیطرف مرکز شهر میروند. این عده در سبب راه مورد حمله مردم مبارز سفر قرار می گیرند که در نتیجه آن ۸ تن از پاسداران کشته میشوند.

★ دستگیری فروشندگان "پیکار" مینا ندواب - در تاریخ ۵۹/۳/۱۰ سه نفر از رفقای هوادار سازمان در حال فروش نشریه پیکار دستگیر شده اند.

آقای بنی مدیونند که ما پشتیبانی و تقویت ارتش و پاسداران به بهانه جنگ با عراق و استقرار ارتش در مرزها جنگی را که مدتها بود با نقل و انتقالات ارتش و جنابا می ما شنیدیم مردمی دفاع "قلاتان" زمینه سازی کرده بودند به خلق کرد تحمیل کرده. مگر جز اینست که بنی مدیون "بها ارتش فرمان داده ام تا اشرار را خلق سلاح نماز دیونین از با دریا ورتند" و گفت که "جنگ کردستان میان کفر و استبداد زبکسو و اسلام از سوی دیگر است"؟ مگر آیت الله خمینی سرهنگ مدنی فرمانده جلاهد لشکرسنندج را به حضور

ما اعلام میکنیم خلق کرد هیچگاه خواهان جنگ نبوده، و هرگز این هیئت حاکمه بوده که فروردین اسفند را نیز نظیر سال گذشته با خون فرزندان خلق قهرمان کرد گلگون ساخت، و این برنامه ای است در جهت بازسازی سیستم سرمایه داری وابسته...

نیز بیوفت و از "زحمت" ارتش و پاسداران در کشتار خلق کرد تشکر نکرد؟ مگر آیت الله منتظری، ا. بوشرف خا منهای و... همه و همه از ما سرکوب و کشتار بقبول آنها "کفر" و "اشرار سخن نگفتند؟ پس چگونه "پیام" از این حقایق سخن نمی گوید و آتش افروزان جنگ تحمیلی به خلق کرد و آتش بسیاران آنرا افشا نمیکند؟ چه کسی به مبارزات فدا میریالیسمی - دموکراتیک مردم میهن ما لطفاً تندی می زند و بعنوان متحد و با ورا میریالیسم آمریکا مبارزات خلقهای ما را علیه امپریالیسم آمریکا به جنگ داخلی سوق میدهد و وحدت خلقها و زحمتکاران ایران را خدشه دار می سازد؟ جز بنی مدیون و به سردمداران هیئت حاکمه؟

آری! ما نیز ما ننده خلقها و انقلابیون ایران تحمیل جنگ به خلق کرد و تشدید آن را که به قیمت خون هزاران نفر و خا نه خرابی هزاران خانوار تمام شده است نتیجه برنا به ما میان و متحدان امپریالیسم و سبغ آن میدانیم که با عت خدشه دار کردن مبارزات خلقها و زحمتکاران ایران میشود ولی هرگز ما ملیس و اجراء کنندگان این برنا به ما که همان هیئت حاکمه و فرماندهان مزدور ارتش و سایر برترجمین است بزیبر بقیه در صفحه ۶

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

دقیقه از صفحه ۸

اطلاعیه

جملات کتک و میهم خودبختان را بنجی کنیم و به ایستادن ترتیب آب یا کی برسرا آنها نمی. و بزیم و با دلانه بودن و برحق بودن مقاومت خلق کزده و بیخبرگان. قهر جاسان آنرا در مقابل این برتا نه ضد خلقی بنده نیز! موافق نمی سیریم .

چرا در پیام هیچ صحبتی از مقاومت و جدیتها روزی عا دلانه و برحق خلق کردیده است ؟ چرا در پیام هیچ حرفی از اینکه خلق کرد برای حفظ دنیا و دین و بیگانه ای مبارزات خونین خویش و مبارزات حقیقیهای جزا استنیز ایران و رسیدن به حقوق حقه خویش یعنی کسب خود به مختاری در چارچوب ایرانی مستقل و یونیکو! بنیستیم بپا خاسته است در میان نیست؟ چرا جنایات و کشتارهای ارتش و سپاهداران و جانشهای خود فروخته که بیرون فرمان استند سقر با نه و... را با آنها مبارزان فاشیست و ها و هلی کوپترها و خمپاره ها و مسلسلهای آنزینکازین بیش از یکماه است مورد یورش و حمله ضد خلقی خویش است فرار داده اند با سکوت برگزیده است ؟ آیا لاجرم سقره چگونه است که همه این جنایات و جنگ افروزی ها... به فراموشی سپرده میشوند "دسته ها" مسلح و ایستاده به عراق و پس مانده های رژیم سرنگون شده بلطنتی میدم میشوند؟

یا لیبزان و وابستگان به عراق در کردستان در مقابل "سیاه اسلام" می جنگند بدستی دروغی شرم آور و قبیحا نه مندا نستند و آنرا کوشش مذبحها نه ای بسرای آلوده کردن مبارزات برحق خلق کرد معرفی میکنند. مگر همه نیروهای سیاسی کردستان و از جمله دوسا زمان فوق بدستی اعلام نمی کردند که در مرزهای ایران و عراق در منطقه کردستان بدلیل وجود نفوذ نیروهای سیاسی مترقی و انقلابی در کردستان و نیروی مسلح بینبر که کوچکترین امکانی برای نجات و نیروهای عراقی و منطقه های آنها وجود ندارد پس چه شد که یکبارها میرزا لیسیم آمریکا رژیم بعث عراق و پس - مانده های رژیم سر از کردستان در آوردند و توان جنگ افروزی در آنجا یافتند. آیا این همان تبلیغات دروغین هیئت حاکمه و "حزب توده" خا شن نیست؟ ولی برای اینکه ما رژیم سر و شترشود بیست انتتارات خود این نیروها را جمع میکنند تا بیستیم موضع آنها فقط همین چند هفته قبل چه بود.

ما زمان جریکهای فدائی خلق که اکنون در این "پیام" از بنی صدر بعنوان "مقام مسئول" که "نگران سر نوشت مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک مردم میهنمان" است خواهان پذیرفتن اصل حسرت

دموکرات و اعلام آتش بس میخورد و در کا ۵۹ نیزی می صدر را بعنوان جناح "ملح طلب" قلمداد می کند در "خبر" سندج شماره ۲۲ بتاريخ ۵۹/۲/۱۶ در سرمقاله آن تحت عنوان "می رویم که فتح کنیم فردا را" میگوید: "شورای عدا انقلاب و رئیس جمهور جنگ طلب با محمود راه درازی که خود در پیش گرفته اند در این راه دست خونین خود را بچون مدها فرزند دلبر بیشتر که مردم میدفاح آغشته کردند" چند خط بعد ادامه میدهد: "بنی مدرز سرکانه اعمال سنگین شورای عدا انقلاب و ارتش جری برای فریب توده ها میدفاح است حک و مسلح سیاست کشتار و مژگان را پیش میگرد و گروههای ملح! را دعوت به منا طره میماند و ضمن شهید و خواهش آشکارا و سیرنامه دروغ میگوید..."

در "خبر" شماره ۱۵ مورخ ۵۸/۱۲/۱۴ سندج نیز در مورد تحریکات ارتش می نویسد:

"اما متفدیم این حرکت ارتش حرکتی است سازمان یافته و ادامه دار که در شامی کردستان هم اکنون زمینه بری می شود. این سیرنامه سی دقیقه در صفحه ۱۲

● چگونه "پیام" از حقایق سخن نمیگوید و آتش افروزان جنگ تحمیلی به خلق کرد و آتش بهاران آنرا افشا نمی کند؟ چه کسی به مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک مردم میهن مالطعات جدی میزند و بعنوان متحد و یار امپریالیسم آمریکا مبارزات خلقهای ما را طیه امپریالیسم آمریکا به جنگ داخلی سوق میدهد و وحدت خلقها و زخمگشان ایران را خدشه دار میسازد؟ جز بنی صدر رویقیه سپردمداران هیئت حاکمه؟

● چرا در پیام هیچ صحبتی از مقاومت و مبارزه عادلانه و برحق خلق کرد نشده است؟ چرا در "پیام" هیچ حرفی از اینکه خلق کرد برای حفظ دستاورد های مبارزات خونین خویش و مبارزات خلقهای سراسر ایران و رسیدن به حقوق حقه خویش یعنی کسب خود مختاری در چارچوب ایرانی مستقل و دموکراتیک بها خاسته است در میان نیست؟ چرا جنایات و کشتارهای ارتش و سپاهداران و جانشهای خود فروخته که مردم شهرهای سندج، سقز، بهانه و... را با بمباران فاشیست ها و هلی کوپترها و خمپاره ها و مسلسلهای آمریکایی پس از یکماه است مورد یورش و حمله ضد خلقی خویش قرار داده اند با سکوت برگزیده است؟



دست ارتجا و بپا سداران از کردستان کوتاه!

برقرار باد خود مختاری خلقها در چهارچوب ایرانی مستقل و دموکراتیک

جنبش دهقانان



دهقانان و جنبش انقلابی (۱)

نگاهی به موقعیت اقتصادی - اجتماعی سیاسی اقشار دهقانی

در پیکار ۵۱ و ۵۲ در مقاله "روش کمونیست‌ها نسبت به جنبش دهقانان" گفتیم که دهقانان کل یکپارچه‌ای را تشکیل نمی‌دهند. بلکه میان اقشار آن اختلافات بزرگی نیز وجود دارد. در این مقاله ما به نقش سیاسی هر یک از این اقشار را می‌پردازیم. ولی در ابتدا لازم است بطور مختصر موقعیت اقتصادی - اجتماعی این اقشار دهقانی را در ساخت سرمایه‌داری وابسته ایران شرح دهیم. هنگامیکه ما از دهقانان بطور کلی صحبت می‌کنیم منظورمان مشخصاً مجموعه سه قشر دهقانان فقیر، میان‌حال و مرفه می‌باشد.

۱- دهقانان مرفه

دهقانان مرفه به قشر فوقانی دهقانی گفته می‌شود که اقلیتی را شامل می‌شود، بخشی از آنها خرده مالکین سابق با کدخدایان با مساحت‌های بسیار کم از ۴۱ هکتار هستند. مقدار زمین‌های آنها یک دهقان مرفه در اختیار دارد. زمین‌های آنها را می‌توان به خود (با کار خانوادگی) به تنهایی یا به تنهایی با کادری که به عنوان کدخدایان مرفه آنها قرار می‌گیرد، مقرر کرده است. این دهقانان فقیر و کارگران کشاورزی می‌کنند و با اینکه مقداری از زمین‌های خود را بصورت سهم‌بری و چاره‌داری در اختیار دهقانان شهیدت قرار می‌دهند. دهقانان مرفه قشر استثنای مزرگی هستند که بیشترین زمین‌های مربوط به دهقانان را در تصرف خود دارند. آنها به‌علاوه اجابرا تولیدی چون تراکتور، موتور آب، اتومبیل و وانت، آسیاب و... در روستا می‌باشند که خود مورد استفاده قرار می‌دهند و با بصورت کرایه در اختیار اهالی روستا قرار می‌دهند. آنها با بطور بنسبه مالی نسبتاً خوبی که در روستا در بعضی مناطق به‌رسانه خواری دست می‌زنند. این قشر از دهقانان در سطح سرمایه‌داری وابسته ایران در تسلط و انحصارات، سیاست‌های کشاورزی رژیم سابق حاکمیت قیمتهای انحصاری بر تولیدات کشاورزی، تسلط بر آنها و... تحت فشار نبوده‌اند.

دهقانان مرفه در مرحله انقلاب ما از یکسوی رژیم زمینداران بزرگ و انحصارات سرمایه‌داری وابسته می‌باشند و از سوی دیگر دارای مالکیتی هستند که نمی‌خواهند هیچ وجه آنرا از دست بدهند و چشم به بالا

دارند. اینست خصوصیت دوگانه دهقانان مرفه. دهقانان مرفه در مرحله انقلاب دمکراتیک در مقابل جنبش دهقانان فقیر قرار می‌گیرند. در مقابل جنبش دهقانان بزرگ در پیش می‌گیرند. در مقابل جنبش دهقانان مرفه در پیش می‌گیرند (۱) و در مقابل جنبش دهقانان مرفه که به‌خاطر از لحاظ اجتماعی اداره انجمن - های روستا و تعاونی‌های روستایی و کدخدائی (۲) به‌مده‌آنها می‌باشد. قبلاً از قیام به‌مهم ۵۷ جانست رژیم شاه را می‌گرفتند و در بعضی از مناطق همین دهقانان مرفه بودند که دستجات چاقو بر طرفداری از شاه می‌زدند و در تشکیل میدادند و در جهت سرکوب انقلابیون به‌شهرها می‌آوردند.

منطقه و ویژگیهای مبارزه ملی، سیاسی، فئودالیسم با عت گردیده است که دهقانان مرفه نیز تا حدودی در جنبش دهقانی و جنگ مفاومت شرکت داشته‌اند.

۲- دهقانان میان‌حال

دهقانان میان‌حال قشرینا بینی دهقانان هستند. آنها با کارخانوادگی و بدون استفاده نیروی کار، مستقلاً روی قطعه زمین خویش به امر تولید می‌پردازند. آنها معمولاً به‌کار برای دیگران و فروش نیروی کار خویش نمی‌پردازند. و معیشت خود را با تولید خانوادگی تا مین می‌شمارند.

دهقانان میان‌حال با تولیدکالای خود در بیشتر بازاریا سرمایه‌داری وابسته با حاکمیت قیمتهای انحصاری بر تولیدات کشاورزی و سیاستهای کشاورزی ضد مردمی دولت و نیز فشار روزافزون سرمایه‌های ربا نشی (اعمال زبانه‌ها، سرمایه‌داری خصوصی) تحت فشار روستا هستند. دهقانان میان‌حال در معرض تجربه قرار داشته‌اند و سلب مالکیت و تجزیه و تفکیک درون این قشر از دهقانان با تسلط سریع و بخش وسیعی از آنها را در طرف دهقانان شهیدت و کارگران کشاورزی رانده می‌شوند. بخش کمی از آنها را به دهقانان مرفه می‌پیوندند و این روایت قشر از دهقانان با توجه به موقعیت اقتصادی شان و فشار روستا و راه‌برآنها در

● کارگران کشاورزی ستم‌کن‌ترین و محروم‌ترین سکنه روستا هستند. و به‌همین دلیل هم هست که انقلابی پیگیر بوده و خواهان مبارزه قاطع علیه زمینداران و مالکین هستند.

● دهقانان مرفه در مرحله انقلاب ما از یکسوی ستم زمینداران بزرگ و انحصارات سرمایه‌داری وابسته می‌باشند و از سوی دیگر دارای مالکیتی هستند که نمی‌خواهند هیچ وجه آنرا از دست بدهند و چشم به بالا دارند.

مبارزه برای ناسودی سرمایه‌داری وابسته و تسلط امپریالیسم غیرمغز تلزل و نسو تا نشان جزو متحدین طبقه کارگر در انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی فدراسیون سرمایه‌داری وابسته هستند.

دهقانان میان‌حال بنا به همان موقعیت بینا بینی که دارند در جمیع موارد در صحنه انقلاب و متحد طبقه کارگر می‌باشند. در عین حال از خود تلزل نشان می‌دهند. همان‌طور که در بالا گفتیم لایه‌های آنها از لحاظ موقعیت سیاسی نیز می‌تواند استجاب دهقانان مرفه را بگیرند و از خود سستی نشان دهند.

(۱) - یک نمونه از خیانت دهقانان مرفه در دوره انقلاب دمکراتیک - ضد امپریالیستی - ضد فئودالیستی در چین را ما نوشته‌ایم. چنین تشریح می‌کند:

"طبقه بینا بینی که در بحبوحه اوج انقلاب زسیر فرسوده قرار گرفت، به‌مجرد اینکه ترور سفیدآغاشد بدشمن پیوست. در بیون سین و نین گان در دست همین مالکان ارضی کوچک و دهقانان مرفه بودند که او ادعای نظامی ارتجاعی را درآتش زدند. خانه‌های دهقانان انقلابی را هم‌آتش می‌کردند بنا به دستور مرتجعین آنها خانه‌ها را طعمه حریق می‌ساختند. افراد را توقیف می‌نمودند و گستاخی بی‌پایان را از خود نشان می‌دادند. امروزه موج ضد انقلاب در سراسر کشور پیدا می‌کند تقریباً تمام

کار برای کارگران، زمین برای دهقانان



۳- دهقانان فقیر

دهقانان فقیرتر شایسته‌ترین دهقانان هستند که اکثریت جمعیت دهقانان را تشکیل می‌دهند. مقدار زمینی که یک دهقان فقیر در اختیار دارد کمتر از مقدار حداقلی است که برای معیشت و لازمیت و ایستگاه کشاورزی دهقانان فقیر نیاز دارند. برای تامین معاش خودبخوبی از اوقات خود بکار مزدوری سپردند. بدین ترتیب آنان با درمزارع دهقانان مرفه‌تر استخدام می‌شوند و درآمد کمتری دارند. اما این برای کارگری به‌شهر - هاست. اما لکنیت دهقانان فقیر را بر اثر تولید که آنها با ساختن است بسیار محدود است و آنان هر آن برای شرفش زحمت خود را بر سر زمین‌ها می‌کنند. زمین‌هایشان را رها کرده و تمام وقت بفرش نیروی کاروری آوردند. این فقر از دهقانان بدلیل موقعیت اقتصادی‌شان که شدیداً مورد استثمار و ستم‌های قرار گرفته اند در برابر زحمت برای نابودی سرمایه‌داری وابسته فعلی است. آنان با تمام پلایات دمکراتیک و انقلابی برای مبارزه با راه‌های زمینداران و مالکین باستانیل انقلابی باید ارتقین متحد طبقه‌کارگر هستند.

کارگران کشاورزی

گروه دیگری نیز در روستا وجود دارد که کارگران کشاورزی را تشکیل می‌دهند. آنها جزو طبقه کارگر هستند که کارکنان کشاورزی، دهقانان بدون زمین (خوش - نشین) اند و مالکیت برای بزرگوارند. بلکه کار به فروش نیروی کارشان بصورت تمام وقت می‌باشند. آنها در موسسات کشاورزی و بر روی اراضی زمینداران و مالکین و... بر اثر تولید کشاورزی می‌پرورند. آنها ستمکشترین و محرومترین سکنه روستا هستند و به همین دلیل هم هست که انقلابی پیگیری کرده و خواهان مبارزه قاطع علیه زمینداران و مالکین هستند. آنها پیگیرانه خواهان نابودی سلطه امپریالیسم و نظام سرمایه‌داری وابسته می‌باشند.

فعلیت انقلابی کمونیست در روستاها در درجه اول متوجه زمانه‌های و شکل کارگران کشاورزی و دهقانان فقیر می‌باشد. جلب اعتماد آنها و بدست آوردن رهبری مبارزانشان توسط کمونیست‌ها از طریق ایجاد کمیته‌ها و هسته‌های مستقل کمونیستی متشکل از عناصر کمونیست روستا (عماد زده‌ها، کارگر، روشنفکر) قدم بسیار مهمی در راه پیروزی انقلاب دمکراتیک می‌باشد. تمام تجربیات تاریخی نشان می‌دهد که دهقانان خودشان به تنهایی (اگرچه جمعیت کثیری را تشکیل می‌دهند) قادر نیستند خودشان را از زیر استثمار و ستم طبقه‌کارگر رها کنند.

"فقط پرولتاریا شهری و صنعتی" تحت رهبری حزب کمونیست قادر است توده‌های زحمتکش ده را از قید سرمایه‌داری و زمینداران بزرگ آریایی و از قید ویرانی جنگ جهانی امپریالیستی که تکرار آن در صورت ابقاء نظام سرمایه‌داری ناگزیر است رها کند. توده‌های زحمتکش ده را به نجات دیگری ندادند چرا که در برابرولتاریا کمونیست و بینش سیاسی سیدرئخ از مبارزه انقلابی وی در راه برافکندن یوغ مالکین (زمینداران بزرگ) و سوزواری.

(لنین، طرح اولیه‌های مربوط به مسئله روستا (۱۹۰۵م))

بخشیه از صفحه ۱

مفهوم...

امپریالیسم شاه، از آنجا که جزبه انکار سرنیزه و سرکوب مداوم مردم نمی توانست به سلطه‌ها برانداختن ادا بدهد، لذا همرا با غارت و چپاول ثروت ملی ایران و تانمین آن شرایطی که همواره این غارت و چپاول را مضمون از "تعریف مردم‌نگار دارد، به ایجاد و گسترش ارگانهای ویژه‌ای چون ساواک و کمیته باصلاح ضدخوابکاری نیازمند بود تا انقلابیون و اصولا هر مخالفی را به زندان‌های که به تعداد دروز - افزون و با شرایط قرون وسطایی در گوشه و کنار کشور می ساخت، روانه نماید و به چوبه‌های اعدائشان بسپارد و در دست به همین دلیل هم بود که گفتمان‌های سیاسی و عقلمان، مسئله‌زندانان سیاسی و چگونگی محاکمات غیرانسانی مبارزین اسپرستان و بکار مهم‌ها و به یکی از محورهای فعالیت سیاسی - اجتماعی گروهها و دستجات آزادیخواه و باحتیاجی محافل حقوقی ملی و بین المللی بدل گشته بود. مزدوران رژیم شاه - ساواک به نه‌های مردمی - رخنه‌ها، انقلابیون را از دانه‌ها میگرداند و پس از مدت‌ها شکنجه و آزار که در سطح جهان شهره‌خاس و عام بود، آنان را به میدانگاه‌های در بسته‌های میفرستادند که پیشاپیش احکامان را صادر کرده بودند. رژیم شاه علیه مردم قوا نینتی که خود در حرف پذیرفته بود محاکمات غیرعقلی و بدون حضور هیئت منصفه و با سلب امکان انتخاب وکیل مدافع از طرف متهم "ترتیب میداد. و این خود به تنهایی کافی بود تا رژیم شاه را در پیش چشم جهان‌نیا نسی آبرو سازد و دیدیم که ساخت.

بی‌گمان با خواندن این سطور، اوضاع فعلی ایران و به ویژه نحوه محاکمات زندان‌ها در رژیم جمهوری اسلامی در ذهن خواننده تداعی می‌شود. چرا که این رژیم نیز به‌همراه ترور انقلابیون، زندان‌ها خود را در پشت درهای بسته، بدون حضور هیئت منصفه و بدون اجازت انتخاب وکیل از طرف متهم، به محاکمه می‌کشد و در بسیاری موارد در عرض چند ساعت به احکام محاکمه می‌کشد. بحرات میتوان گفت که رژیم جمهوری اسلامی، لااقل در این رشته بخصوص بسیار بر کار ترور در همین حال بسیار رخنه تراست.

رفیق شهید احمد مودن که خیرات توسط همیسن پیدا دگا‌ها در اواز، به‌جوخه اعدا سپرده شد، در قسمتی از نامه خود آلودی که از خود بجای گذاشته (متن کامل این نامه در شماره ۴۵ آمده است) می نویسد:

"فقط این را بگویم که مرا هیچ جرمی در هان با ن دستگیر کرده و به اینجا آورده اند. چند بار - جویی کرده اند و چند بار صحنه‌های اعدا می‌باشی ترتیب داده اند، بدون اینکه حتی بمن بگویند که جرم توجیست. اینست مفهوم جمهوری اسلامی!"

این تنها یک نمونه از آن جنایات فجیعی است که دگا‌ها با اصطلاح انقلاب، در گوشه و کنار و مرکز می‌شوند. اکنون زندان‌های رژیم - ساواک خالی شدن از ساواکی‌ها و جنایتکاران و مزدوران رژیم شاه، دست‌نشانده‌ها و جوانان انقلابی برمی‌شوند، جوانانی که به "جرم" اعتقادیه آلمان رها می‌بخش طبقه‌کارگر و در دست به "جرم" همین عقیده می‌زنند آنها کشیده می‌شوند و در میدانگاه‌ها می‌کشد که به لوجه "عسقل اسلامی" نیز می‌زنند و در اعدا می‌کشد. در عرض فقط چند ساعت به اعدا می‌باشی برانداختن طویل‌المدت محکوم می‌شوند. "عدل اسلامی" این آقا یان شکنجه را نیز مجاز می‌شمارد و از اعمال آن پروا می‌ندارد. آنها برای درهم شکستن روحیه زندانیان راه‌صحنه‌های اعدا م‌ترتیب

می دهند. رفیق شهید احمد مودن نیز که به هیچ وجه تنهیا نمونه نیست، تحت چنین شکنجه‌ای قرار گرفت. تقی شهر! م‌که قریب یکسال است که در زندان انفرادی بسر می برد، تاکنون با رها تحت چنین شکنجه‌های آریا مهی قرار گرفته است.

رژیم جمهوری اسلامی که از مردم میخواهد قانون اساسی را که حتما "الهی" نیز هست، محترم و مقدس بداند، خود با بیشتر می‌شمارد آنرا زیر پای می‌گذارد. طبق اصل ۱۶۵ قانون اساسی خودشان، محاکمات می‌باشی با هیئت منصفه. اصل ۱۶۸ قانون اساسی نیز رسیدگی به جرائم سیاسی را علقی و با حضور هیئت منصفه و در صلاحیت محاکمه دگستوری دانسته است ولی مردم ایران رژیم را که در تفدیس این قانون گلویشان را پاره می‌کنند، با رعایت قانون اساسی چه کار؟ قانون حافظ منافع کسانی است که خود آنها را وضع کرده و اعمال ستم طبقه‌کارگر را با آن توجیه می‌کنند و دالبسته‌ها آنجا که همین قانون متکلفاتی پیش پایشان گذاشت، در بدی در پامال کردن آن باقی نمی‌ماند! اگر قانون اساسی خود این آقا یان می‌گوید "محاکمات با هیئت منصفه" است، اگر قانون اساسی می‌گوید "رسیدگی به جرائم سیاسی می‌باشی در دادگاه‌های علقی و با حضور هیئت منصفه صورت گیرد"، طبیعی است که در صورت رعایت این قوانین دیگر اعدا مجرم عقیده، به همین آسانی میسر نخواهد بود. دیگر نمی‌توان در عرض چند ساعت چندین حکم اعدا می‌کشد. آری در چنین صورتی، این جلادان خواهند بود که در پیشگاه مردم به محاکمه کشیده شوند، اگر چه در جایگاه محاکمه شرع نشسته باشند. در چنین صورتی این رژیم است که در مسند آنها خواهد بود، اگر چه "پشتوانه" ۹۹ درصدی خود را هم بر پشتانی حک کرده‌اند و دقیقاً به همین خاطر است که رژیم از محاکمه علقی انقلابیون زندانی و حجت‌داران در میان زندان‌ها سیاسی انقلابی که مدتهاست در زندان‌ها رژیم برمی‌سازند، هستند که کسی از قریب یکسال هنوز نتوانسته اند با موکل خود ملاقات نمایند! هنوز در هیچ دادگاهی هیئت منصفه حضور نداشته است و اغلب "منتهان" را پس از چند ساعت محاکمه بلافاصله به جوخه‌های اعدا می‌سپرده‌اند.

اعمال گروه تروریستی فرقان در غیراتسانی‌ترین شرایط محاکمه و اکثراً به اعدا محکوم شدند. محاکمه علقی این گروه تروریستی مذهبی میتوانست بسیاری از علقایق را که همچنان در برده‌ها می‌مانده است، روشن سازد. بسیار دایریم که سردمداران رژیم و سوزیه رهبران حزب خلق الساعه جمهوری اسلامی با علم به این که ترورهای سیاسی توسط همین گروه مسورت گرفته است، بیشتر نامه کمونیست‌ها و گاه نیروهای دمکرات را بعنوان عاملین ترور معرفی می‌کردند. طبیعی است که رژیم از وحشت رسواشی خود و روئیدن دستش نه در مورد این دروغ بلکه در مورد دیگری ترجیح داد منتهان را پشت درهای بسته، بدون حضور هیئت منصفه و بدون حضور وکیل مدافع، یکی پس از دیگری نابود نماید.

رژیم اگر تن به محاکمه علقی با حضور هیئت منصفه نمی‌دهد، دقیقاً بخاطر وحشتی است که از بسازندن منت خود احساس می‌کند. رژیم شاه نیز به همین دلیل بود که زندان‌ها سیاسی را بی‌سر و صدا و در پشت درهای بسته به محاکمه می‌کشد. اما اگر انوانست جنایات خود را، حتی پس از گذشت سالها در ازایزیده بوشی کند، رژیم جمهوری اسلامی نیز، البته با بدبیش همان سرنوشت، خواهد توانست!

نقشه از صفحه ۴
وظیفه...

وظایف این شورا است در این حالت کمیونیتها مبارزه صنفی را انطباقیتر میسرند که خود میخواهند!

کارگران مبارز و آگاه، همواره با یستی... هوشیاری کامل، توطئه‌های عناصر کارفرما و دولت را برای برهم زدن تشکیلات واقعی کارگران، بموقع درک کرده و آنرا خنثی نمایند. بطور کلی میبایست آگاهان هر چه بیشتر تشکیلات واقعی را توده‌ای تر کرده و حمایت اکثریت کارگران را نسبت به آن جلب نمود.

تشکیلات واقعی باید کارگران مبارز و آگاه و مستعد را در برین توده‌های کارگزاران زماندهی کند و این آنها را تقسیم کار بوجود آورد تا بدینوسیله بتوانند ایده نظارت بر تولید را هر چه بیشتر توده‌ای نماید. این مسئله خود به یاری تشکیلات واقعی کارگران کمک زیادی خواهد نمود.

کارگران مبارز و نیروهای آگاه برای هدایت صحیح مبارزات کارگران علیه سرمایه‌داران و رژیم خاصی آنها همواره در پی ایجاد چنین تشکیلات کارگری با اهداف و لزوم ایجاد چنین تشکیلاتی را که حافظ منافع واقعی کارگران میبایست، همیان توده‌های کارگر برین توده‌ها را با بطن آگاهی لازم به آنها بدهند.

۲. تشکیلات غیر وابسته:

منظور از "تشکیلات غیر وابسته"، آن تشکیلات کارگری است که انتخابات آن واقعی بوده، اما بدلیل ضعف آگاهی کارگران، نمایندگان نا آگاه و سازشکار در در آن قرار گرفته‌اند. لیکن هنوز این تشکیلات وابسته به رژیم پادشاهی است و اکثریت نمایندگان آن مزدور نیستند. در این قبیل تشکیلات کارگران آگاه و نیروهای انقلابی که در شورا شرکت دارند، می‌بایست در ضمن کوشش برای گرفتن مطالبات کارگران از طریق همین تشکیلات، اقدام به افشای سازشکاری و تزلزل نمایندگان نا آگاه به یمن پندوشان بدهند که طریق صحیح پیشبرد مبارزات کارگران چگونه است. در این نوع تشکیلات، نمایندگان نا آگاه کارگران تحت تاثیر عوامل کارفرما قرار میگیرند و نمیتوانند بدرستی از منافع کارگران دفاع نمایند. وظیفه کارگران آگاه است که تا حد امکان این سازشکاران را هم برای خود آنها و هم برای توده کارگران توضیح داده و ضمن بیان شیوه صحیح مبارزه با نظام سرمایه‌داری و رژیمها می‌آن لروم توضیح این نمایندگان را گوشزد نمایند.

تشکیلات غیر وابسته را عموماً با انتخابات و سرنوشت از طرف عناصر سرمایه‌دار و آگاه نمیتوان به تشکیلات واقعی تبدیل کرد. در این رابطه بیشتر باید به کارگران آگاه هکرا توضیح در میان توده‌های کارگر و فضا را در طرف آنها تکمیل کرد، تا عناصر آگاه و مبارز را رها نکند و با نفعی کند.

همانطور که گفته شد، عناصر درستی از این تشکیلات کارگری بدلیل ضعف عمومی کارگران انداختن تجربه و آگاهی پس از قیام موجوده مدرسه خود را با این قبیل تشکیلات کارگری از طرفت و بیجذبی خاصی برخوردار است و با بددقت کرده‌کنندگان آنها بسمت یک تشکیلات واقعی از روی سرنوشت همواره با کار آگاهان به یاری. در این زمینه، بخصوص با یاری افتادگان سدا مان سرخوردگی "حب احتساب نمود.

لازم توضیح است که عملت رند آگاهی کارگران از یکطرف و شکل گیری ارگانهای ضد انقلاب از طرف دیگر نمود این قبیل شوراها هر روز کمتر میشود، بدینصورت

که با کارگران آگاه میشوند شورا را بدست خود گیرند و با رژیم میتوانند با توطئه و فریب و اعمال زور، شوراها را وابسته بخود نمایند. این قبیل شوراها بی‌بنا بینی نمی‌توانند مدت زیادی دوام داشته باشند. آنها باید با در خدمت کارگران باشند و با در خدمت سرمایه‌داران.

۳. تشکیلات وابسته (زرد):

در این با صلاح شوراها، عناصر پنهان و آشکار وابسته به کارفرما (سپرستان، مهندسان، کارمندان و کارگران وابسته، روبرو نیستیهای خائن توده‌ای و سببها و...) نفوذ میکنند و رهبری آنها را بدست می‌گیرند. این شوراها که ملامت خدمت منافع کارفرما قرار داده و زیر پوشش حمایت از منافع کارگران، به سرکوب آنان می‌پردازد.

در رابطه با این گونه تشکیلات، کارگران آگاه فقط وظیفه افشا و انحلال آنها دارند.

کارگران و نیروهای آگاه می‌باید چه از درون و چه از بیرون به افشای ماهیت این با صلاح تشکیلات کارگری بپردازند و ذهن کارگران را برای انحلال آنها از قبیل آنها ده‌گردد اند. کارگران آگاه هنباید بمنظور گرفتن درخواستهای کارگران در این قبیل شوراها شرکت کنند.

در رابطه با این نوع تشکیلات کارگری، باید به دو نکته زیر توجه نمود:

الف-

آیا در تشکیلات زردی با بد شرکت نمود؟ هر گاه توده‌های معینی از کارگران نسبت به ما هیت این گونه شوراها (تشکیلات) در آنها متمرکزند، هر گاه آگاهی و قدرت کارگران به این حد نباشد که این تشکیلات را سرنگون کنند و تشکیلات واقعی خود را بوجود آورند، در آن صورت اگر امکان آن فراهم نماند که کارگران آگاه داخل شورا بشوند، می‌باید در آن شرکت کنند. کارگران آگاه از زیر پوشش این نوع شوراها بگریزانی و خود آنها استفاده میکنند و آنجا به کارگران نشان میدهند که این شورا هانمی‌توانند منافع واقعی آنان را تامین کنند و تشکیلات وابسته ضد کارگری است.

در عمل معمولاً این طور است که خود شورای زرد کارگران آگاه را از شورا بیرون می‌اندازد و طبیعتاً همین مسئله میتواند زمینه‌ای برای افشای شورای زرد باشد. تقلب در انتخابات و غیره نیز به یمن منوال است لیکن گاهی شرایطی هم پیش می‌آید که کارگران آگاه بر اثر فشار کارگران حداقل یک قسمت از کارخانه امکان می‌بایند داخل شورا بشوند. کارگران آگاه هنگامیکه در شورا شرکت میکنند،

اخراج کارگران مبارز کاترین البرز

بدنبال با صلاح تصفیه و پاکسازی کارخانجات شهر صنعتی البرز فزونی و بعد از کارخانه نازنخ، کارخانه کاترین البرز، دومین کارخانه است که مورد یورش ارتجاع قرار گرفته است.

روز ۱۲ اردیبهشت دوش از اعضای شورای کارخانه کاترین بوسیله سپاه پاسداران بازداشت میشوند که بعد از ۴۸ ساعت بازداشتی بصورت متنوع - الوردیکا کارخانه زبا شاد از آید میشوند و مجدداً دو روز دیگری از دینفر مذکور دستگیر شده و بزندان انداخته میشوند که بعد از یک محاکمه تشریفه شده و آزاد میشود. اما ارتجاع منطقه که برای کارگران مبارز دندان تیز کرده بود آرام نمی‌نشیند، احمد طاهر خانی رئیس پاسداران شهر صنعتی البرز، تجربه کارخانه نازنخ را با کارمیکردوی عده‌ای از و با شان کارخانه کاترین را تحریک می‌کنند که به جوجه‌ها اجازه بدهند عوض شورا و رد کارخانه شود. وی گذشته را این اساسی ۲۵ کارگردیدگرا اعلام کرده و میگوید که ۸ نفر از اینها دیگر بنا بدو ارد کارخانه شوند و ۱۷ نفر بقیه با قید تعهد می‌توانند بسر کار برگردند که پس از مرورد مخالفت شدید کارگران قرار میگیرد.

اکثریت کارگران کارخانه کاترین که تا حدود خدمات عوض شورا و مبارزات کارگران اخراجی بودند از آنها حمایت می‌کنند تا آنجا که طاهر خانی مجبور میشود از و با شان نازنخ و دیگر کارخانجات برای حمایت از اخراج کارگران استفاده کند.

بدنبال این امر بدستور طاهر خانی و با این سپاه که در کارخانه کاترین کارگران مسلمان پیرو خط امام کمیونیتها را اخراج کرده اند از چند کارخانه دیگر مانند لانا، مان فیلتو... دعوت میکنند به کارخانه کاترین بیرون. در همین روز فرما نادر و محمد ابوترابی (یکی از عناصر سرمنطقه) نیز به کارخانه میروند و در آنجا با صلاح خودشان نامتجمع می‌بخوانند. اما کارگران آگاه و مبارز کارخانه کاترین که بی‌به ما هیت و اعمال ضد انقلابی این افراد سرده بودند از شرکت در نامتجمع خودداری میکنند.

میتوانند از مسائلی که در "بالا" اتفاق می‌افتد مطلع شده آنها را برای کارگران افشا نمایند و بدینوسیله نمایندگان وابسته و کارفرما را نشان دهند و از این طریق به یاری بردن سطح آگاهی کارگران کمک نمایند. تذکراتی که لازم است که ما نیکه کارگران آگاه در بافتند شوراها زرد به اندازه کافی افشا شده‌اند، مسابست حتماً از شورا خارج شده و از بیرون برای انحلال آن کوشش نمایند، خود استعفا نمایند و نمایندگان واقعی کارگران از شورای زرد، میتوانند در یاری این آگاهی و قاطعیت کارگران موثر باشند. (۷)

آیا شورای فلابی وارد میتوان اصلاح کرد؟
بقیه در صفحه ۱۱

(۲) - در یکی از کارخانه‌های تهران، نمایندگان واقعی کارگران در شورای زرد، نتوانستند زمان ترک شورا را درست تشخیص دهند و کمالات در شورا با قسی مان شدند. در حرکت اعتراضی که کارگران انجام دادند کل شورا را منحل کردند! این مسئله از یک سو باعث عسار و حیثیت کارگران ما را زلطمه وارد آورد و از سوی دیگر کارگران را از رهبری لازم محروم نمود.



آخرین گام برای «تثبیت قانونی» جمهوری اسلامی (۲)

نگاهی به برخورد توده ها به جریان انتخابات و ترکیب طبقاتی و جناحهای گوناگون مجلس شورای ملی

ما در رابطه با تشکیل مجلس شورای ملی به عنوان آخرین گام برای تثبیت قانونی جمهوری اسلامی ایران در پیکار ۵۶ به دو مسئله اشاره کردیم، یکی ترکیب طبقاتی مجلس کنونی که از روحانیون وابسته به حزب جمهوری اسلامی و نمایندگان زمینداران و سرمایه داران و تجار و قشر مرفه خرده بورژوازی سنتی تشکیل شده است و همچنان که گفتیم در آن حتی یک نماینده کارگری و دهقان حضور ندارد و این موضوع یکبار دیگر بر این حقیقت را ثابت کرد که در شرایط حاکمیت طبقات استاتس رگر، مجالس مقننه ای که مینام ملت معرفی میشود، فریب و نیرنگی بیش نیست، توده ها در جریان انتخابات با توجه به تقلیبات و فضا حاشی که مرتجعین به سردمداری حزب جمهوری اسلامی به پا آوردند، تا حدی این فریب و نیرنگ را دیدند و نسبت به آن عکس العمل نشان دادند. بیسی - اعتمادی ای که توده ها در دوره دوم نسبت به دور اول از خود نشان دادند (نسبت به مجلس خیرگان که جای خود دارد) خود گواهی این واقعیت است (بطور مثال در تهران در دور اول حدوداً ۲۰۱۰۰۰۰۰ هزار رأی در انتخابات شرکت داشتند، در دوره دوم حدوداً ۱۶۰۰۰۰۰ رأی) مسئله دیگر که قبلاً اشاره کردیم تلاش با مصطلح لیبرالها (بسی مدروجا حقیقت آزادی) برای نزدیکی با مجاهدین از طریق حمایت ضمنی و یا صریح از کاندیدای تهران مجاهدین (در دوره دوم) بود. اینک در این مقاله نگاهی به ترکیب جناحهای

گوناگون حاکم در مجلس می اندازیم. ۳- دو جناح قدرتمند هیئت حاکمه یعنی جناح "حزب جمهوری اسلامی" و جناح با صلاح لیبرالها هر چند که در هدفها و سیرتنامه های اساسی مربوط به بازسازی و پایداری انضام سرمایه داری وابسته... همسانی دارند اما بدلیل گوناگون از جمله ویژگی و پیگردانی شدید مذهبی حزب جمهوری اسلامی، در روشها و پیگردانی اختلافات گاه قابل ملاحظه ای میباشند بطور مثال آنها در سرکوب جنبش خلقها در ترکمن صحرا و کردستان هدف واحدی دارند، اما هرکدام روش خود را دارند، و یا در مورد سرکوب جنبش کارگری، جنبش دانشجویان مترقی و انقلابی و نیروهای انقلابی... در اینجا ما وارد ارزیابی همه جا نباشیم، بدلیل این اختلاف در روشها و ویژگی هر یک از این جناحها نمی گردیم، بلکه آنچه که در این رابطه قابل ذکر می دانیم این است که اختلافات این دو جناح که با ما با ما ناشی از تفاوتهای در زیربنای اجتماعی و گسترده گی سرمایه داری و طبقاتی می باشد، خود عامل مهمی در بحران درونی هیئت حاکمه بوده است و خواهد بود، و از آنجا که دیگر امروز رأی ثبت شدیدی بین این دو جناح برای کسب قدرت هر چه بیشتر و عقب نشینی هر یک وجود دارد، رأی ثبتی که بطور مثال حسی مانع از تسخیر و انتخاب نخست وزیر مورد نظر بیسی در قبیل ازگشا پیش مجلس گردیده است (۱)

نگاهی به ترکیب فراقسوی مجلس نشان میدهد که اختلاف بین دو جناح در رأی توده ها و هم بیشتر خود را نشان

خواهد داد. جناح بندیهای درون مجلس در جدول (۱) مشخص شده است و در این رابطه توضیحات زیر را ضروری میدانیم:

الف - این جدول تعداد نمایندگان سه گروه عمده درون هیئت حاکمه یعنی حزب جمهوری اسلامی و شرکا، دفترها هنگی (بسی مدر) و همنا (نهفست آزادی) و نیز در صدر هرکدام را نشان میدهد. علاوه بر آن ستونهای دیگری نیز وجود دارد که نمایندگان مشترک این نیروها را نشان میدهد. لازم بذکر است که این اشتراک نماینده میان گروهها بمعنی اشتراک آگاهانه آنها نمی باشد و این گروه در دوره دوم انتخابات نیز

(۱) - بسی مدر با آگاهی به قدرت حزب جمهوری اسلامی در مجلس کوشش نمود که قبیل ازگشا پیش مجلس نخست وزیر مورد نظر خود را با تاخیر آیت الله خمینی بر کار گمارد. هر چند اسم این نخست وزیر، موقت بود ولی هدف بسی مدر این بود که پس از گشا پیش مجلس دوباره همین نخست وزیر را بعنوان نخست وزیر آینده مجلس معرفی نماید که در این صورت مجلس با توجه به نظر آیت الله خمینی تا گزیرا زنا شیدوی بود، اما بسی مدر با وجود جلب موافقت آیت الله خمینی برای اسیس منظور نتوانست با "حزب گنا ربا بدور نتیج" انتخاب نخست وزیر منتفی گردید.

شماره استان	حزب جمهوری و... اختلاف "بسی مدر"		جناح بسی مدر		نهفت آزادی... داخل و خارج، همنام		مختلک و دفتر		مختلک و همنام		مختلک و همنام		مختلک و همنام		مختلک و همنام		جمع
	تعداد	%	تعداد	%	تعداد	%	تعداد	%	تعداد	%	تعداد	%	تعداد	%	تعداد	%	
۱ آذربایجان شرقی	۴	۳۰	۱	۵	۲	۱۰	۲	۱۰	۲	۱۵	۳	۱۵	۳	۲۰	۱۰۰	۲۰	
۲ آذربایجان غربی	۲	۲۷/۵	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۸	۱۰۰	۸	
۳ اصفهان	۵	۲۹/۲	۲	۲۲/۵	-	-	۲	۱۱/۸	-	-	-	-	-	۱۷	۱۰۰	۱۷	
۴ ایلام	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱	۱۰۰	۱	
۵ بوشهر	۱	۲۲/۲	-	-	-	-	۱	۲۲/۲	-	-	-	-	-	۳	۱۰۰	۳	
۶ کهگیلویه و بویراحمد	-	-	-	-	-	-	۱	۱۰۰	-	-	-	-	-	۱	۱۰۰	۱	
۷ چهارمحال بختیاری	۲	۶۶/۷	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۳	۱۰۰	۳	
۸ خراسان	۷	۳۱/۸	۵	۲۲/۷	-	-	۲	۱۸/۱	-	-	-	-	-	۲۲	۱۰۰	۲۲	
۹ خوزستان	۸	۵۲/۲	-	-	-	-	۱	۶/۷	-	-	-	-	-	۱۵	۱۰۰	۱۵	
۱۰ رفسنجان	۲	۲۲/۲	۳	۳۳/۳	۱	۱۱/۱	۱	۱۱/۱	-	-	-	-	-	۹	۱۰۰	۹	
۱۱ مغان	۱	۲۵/۱	-	-	-	-	۱	۲۵/۱	-	-	-	-	-	۲	۱۰۰	۲	
۱۲ سیستان و بلوچستان	۲	۳۳/۳	۲	۳۳/۳	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۴	۱۰۰	۴	
۱۳ فارس	۴	۲۵/۴	۶	۳۷/۵	-	-	۱	۶/۳	-	-	-	-	-	۱۶	۱۰۰	۱۶	
۱۴ کرمان	۲	۲۲/۲	-	-	-	-	۳	۳۳/۳	-	-	-	-	-	۹	۱۰۰	۹	
۱۵ کرمانشاهان	۱	۲۵/۱	۲	۵۰/۲	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۳	۱۰۰	۳	
۱۶ گیلان	۳	۲۳/۱	۴	۳۰/۷	-	-	۱	۷/۷	-	-	-	-	-	۱۳	۱۰۰	۱۳	
۱۷ لرستان	۲	۲۵/۲	۱	۱۲/۵	-	-	۱	۱۲/۵	-	-	-	-	-	۸	۱۰۰	۸	
۱۸ مازندران	۵	۳۱/۳	۲	۱۲/۵	-	-	۴	۲۵/۴	-	-	-	-	-	۱۶	۱۰۰	۱۶	
۱۹ استان مرکزی	۶	۶۶/۷	-	-	-	-	۱	۱۱/۱	-	-	-	-	-	۹	۱۰۰	۹	
۲۰ هرمزگان	۱	۳۳/۳	۱	۳۳/۳	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۳	۱۰۰	۳	
۲۱ همدان	۴	۵۰/۴	۲	۲۵/۲	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۸	۱۰۰	۸	
۲۲ یزد	۲	۶۶/۷	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۳	۱۰۰	۳	
۲۳ استان تهران	۱۵	۴۲/۸	۴	۱۱/۴	۵	۱۴/۳	۷	۲۰/۷	۲	۵/۷	-	-	-	۳۵	۱۰۰	۳۵	
۲۴ اقلیتهای مذهبی	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۵	۱۰۰	۵	
ککل کشور	۸۲	۲۲/۴	۲۷	۱۵/۵	۸	۳/۴	۲۹	۱۲/۲	۶	۲/۵	۲	۱/۳	۲	۲۸	۱۰۰	۲۲۸	

جدول (۱) - درمجاها ی مختلف در مجلس و موثعبت آنها در مناطق مختلف و...

بقیه از صفحه ۹

شیوه برخورد به تشکیلات زرد:

تحت شرایط عمومی مبارزات کارگران، زما نیکه اعتدای انقلابی و با موقعیت انقلابی برجسته کسم نیست، کارگران آگاه با دبا کار افتادگان توضیحی سعی کنند زمینه های مادی انتخابات واقعی تشکیلات کارگری را بوجود آورند و با صلاح بیشتر از طریق "فانونی" عمل کنند. جوجا معوجنیشن معمولاً در جنبش شرایطی این شیوه را مستتر می طلبد.

لیکن در شرایط اعتدای انقلابی (بویژه در درجات بالای آن) و با موقعیت انقلابی که نوده های کارگری از مردم خود فاسد و بنظم حکومت کنندگان را زیر پای می گذارند و با افتادگی انقلابی روی می آورند، شیوه برخورد ما نسبت به چگونگی تغییر تشکیلات زرد تفاوت خواهد داشت. تحت این شرایط نوده های مردم و کارگران خود، بنظم فانون رژیم کارگزاران قسول نداشتند، مستقلانه اقدام به ایجاد تشکیلات واقعی و انقلابی خود می نمایند. اینجا دستفیلان کمینه های اعتماد و با تشکیلات واقعی کارگری در کارخانه ها و موسسات، ایجاد شوراهای محل و غیره در حریان قیام بهمن ماه ۵۷ خود مویسان نظرمیسانند.

واضح است که نیروهای آگاه خود را در این میان شکل از پیش تعیین شده محدود نمی نمایند و فقط حرکت و با کنشهای خود را اساس تجربه و آگاهی نوده ها قرار میدهند.

در شرایط اعتدای فعلی ما همه می نمایم که کارگر - ان خود مستقلانه اقدام به برهم زدن تشکیلات فلابی و زرد می نمایند و تشکیلات واقعی خود را بوجود می آورند بدون اینکه با صلاح فوانین رژیم کارگرای بسند با ناسند. در همین حال سطح آگاهی و تجربه نوده ها و طبقات کارگرایان است و این خود ضرورت استفا ده از نا کنشها و روشهای دیگری را الزام آور میسازد. اما حرکت عمومی و غالب ما می بایستی همان نیکه بر حرکت مستقلانه کارگران باشد.

سبش سوی ایجاد تشکیلات واقعی کارگری

در میان مردم ۵۵ درصد بوده اند. در استان و یلوچستان نیز هرکدام ۳۳/۳ درصد بوده اند. گرجه ها هنوز کسبه دسیم حزب جمهوری اسلامی هم اکنون در ترکیب مجلس اکثریت را دارا میباشند. در استان دادم که در شهرها شیعی چون قم، تهران، مشهد، ... هموز نوده های زیادی پی به ما هستند. ارتجاعی این حزب نیرده اند ولی کاهش اعتبار را در نزد مردم کثیری از مردم کاسلا مستحق است. مسلم است که از هنگام انتخابات کارگران این حزب افت بسیار زیادی کرده است. لیکن همه نوده های که از این حزب ارتجاعی رویگردان میشوند و مصیبت بکناسی ندارند، بخشی از آنها به جناح دیگری از هیئت کارگزاران آورده اند (نظیر جناح بنی صدر) که ما میبایست کمی از لحاظ ارتجاعی بودن یا "حزب" ندارند و این خود ضرورتی که در راه داد ما انقلاب است. بخشی از آنها نیز موقعیتی بی تفاوت یافته و با عدم شرکت در امری گریه، نظاهرات و... بی اعتمادی - شان را نسبت به هیئت کارگزاران میبدهند و با لاسره بخشی نیز به جانب نیروهای آگاه و انقلابی روی آورده اند. بعنوان مثال این مسئله که رجوعی کانند - ای محاسن از هنگام مجلس کارگران آرائی خود را بر سر آورده است. و دستنروهای میری را در عریس اس مدت نشان میدهد.

وظیفه...

و آیا میتوان از طریق این شورا درخواستهای کارگران را تا مین نمود؟

پاسخ هر دو سؤال منفی است! شورای زرد را نمیتوان اصلاح کرد، بنا بر این با بد آنرا منحل نمود هنگا میگره بری عناصروا بسنه برشور تا مین است. و تا زما نیکه این عناصر از طرف کارفرمایان و دولت حامی آنها، پشتیبانی میشوند، نمیتوان آنرا "املاچ" کرد. شورای زرد را یکمک نوده کارگران با بد منحل نمود و زمینه انتخابات جدید را فراهم آورد و بجای آن شورا و تشکیلات واقعی کارگری را ایجاد نمود. فکسر "املاچ" تشکیلات زرد، اگر خیانت بکارگران ناسا ندجیزی جز فریب آنها نیست.

گاهی دیده شده است که برخی از نیروهای سیاسی بجای مبارزه با امان با این با صلاح شوراها، بسا آنها بهما زتن رسیده و از انحلال آنها وحشت دارند. نتیجه آنها اینست که ما با دلیل نا آگاهی کارگران، عناصرمترج تریه شوراها بسا بسا! اینها در مقابل انحلال شورا سنگ اندازی نموده و عملاً مبارزات کارگر - ان را با کارفرمایان می کشانند. برخی از این نیروها می گویند که ما بسا بسا! اینها در مقابل وجود آوردن با بد "نظم" را حفظ نمود! در حالیکه نظمی که آنها به آن اشاره میکنند فقط یک نظم بورژوازی است که استثماری کارگران ساحتی در آن احام میگرد!

مسئله دیگری که از طریق این شوراها، نمیتوان درخواستی کارگران را گرفت. خود استنار این فکر که کارگران نمیتوانند از طریق شوراها زردی در - خواستهای خود برسانند، سازگارانه و فریبکارانه است.

واضح است که کارگران آگاه به نیتها در حرف، بلکه در عمل هم با بد کارگران نشان دهند که چشم دوختن به اسکونه شوراها به ما مدد نام خواسته های آنها بسپوده است.

بنی صدر در اکثریت میباشند (۳) متلاد را سان مرکزی، حزب جمهوری اسلامی ۸۹/۹ درصد (۸۹/۹ = ۱۱/۱ + ۷۷/۱۱ + ۶۶/۱۱) که نیده ها را دارد. در حالیکه بنی صدر ۱۱/۱ درصد، در استان خوزستان حزب جمهوری اسلامی ۶۰ درصد (۶۰ = ۵۳/۳ + ۶/۷) که نیده ها را دارد و بنی صدر ۶/۷ درصد، در استان چهارمحال بختاری حزب جمهوری اسلامی ۶۶/۷ درصد و بنی صدر ۶۶/۷ درصد است. در استان همدان حزب جمهوری اسلامی ۵۰ درصد و بنی صدر ۲۵ درصد بوده است. درما بسا در ان حزب جمهوری اسلامی ۵۶/۳ (۵۶/۳ = ۳۶/۳ + ۲۰/۳) و بنی صدر ۲۷/۵ درصد (۲۵ + ۱۲/۵ = ۲۷/۵)

در برخی از استانها نیز جناح بنی صدر و بارز کارگران اکثریت دارند. متلاد در زنجان حزب جمهوری اسلامی ۳۳/۳ درصد (۳۳/۳ = ۱۱/۱ + ۲۲/۲) بوده است در حالیکه بنی صدر ۴۴/۴ (۴۴/۴ = ۱۱/۱ + ۳۳/۳) درصد که نیده ها را داشته است. در گیلان حزب جمهوری اسلامی ۳۰/۸ (۳۰/۸ = ۱۷/۷ + ۱۳/۱) درصد و بنی صدر ۳۸/۴ (۳۸/۴ = ۷/۷ + ۳۰/۳) بوده است. در استان کرمان نشان (نا با حل) حزب جمهوری اسلامی ۲۵ درصد و بنی صدر ۵۰ درصد بوده است (۴). و با لاسره در برخی استانها این دو جناح حدوداً یک اندازه تا بسا بسا نوده اند. متلا

نخواهندستند به جوارب اثنالافی متخمی با یکدیگر برسند. بسا زما نیکه درونی این جناحها، مسئله کاهش خطر "نیروهای چپ و انقلابی در درودوم رامیتوان از دلایل این تحایل بسما را آورد.

ب-

سخرآخردوجل ۱ ترکیب کلی نیروها را در مجلس نشان میدهد. ما بنظور که ملاحظه میشود ۳۴/۴ درصد نمایندگان کاندیداهای حزب جمهوری اسلامی و شرکا هستند. ۱۵/۵ درصد در شهرها هنگی بنی صدر ۴/۴ درصد متعلق به گروه همنام (نهیض آزادی داخل و خارج) میباشد. علاوه بر آن ۱۲/۲ درصد که نیده مشترک دفتر هما هنگی و حزب جمهوری اسلامی می باشند ۲/۱ درصد که نیده مشترک دفتر هما هنگی و همنام ۲/۵ درصد که نیده مشترک حزب جمهوری اسلامی و همنام ۱/۳ درصد که نیده مشترک به گروه فوق و با لاسره ۲۸/۶ درصد نیستند. نمایندگان گروههای دیگر و بسا به رژیم میباشد. ما بنظور که ملاحظه میشود در مجموع کل مجلس، حزب جمهوری اسلامی دارای اکثریت قاطع هستند. بسا از ان دفتر هما هنگی، ۲۰٪ گروه همنام قرار دارد (نمایندگان گروههای دیگر که با صلاح لیبرالها و قضا بر مرفه خرده بورژوازی هستند جریان واحدی را تشکیل نمیدهند. و اغلب دشمنان لاهو یکی از جریسان فوق می باشند). این مسئله نشان میدهد که در آینده نیز حزب جمهوری اسلامی همچنان در تصمیم گیریها و عملکردهای هیئت کارگزاران مهم و بلیکه تعیین کننده خواهد داشت. از میان کاندیداهای مشترک نیز رقم ۲۲/۲ که انتراک بنی صدر و حزب جمهوری اسلامی میباشد رقم قابل ملاحظه ای را نشان میدهد و نشان میدهد که دو جناح فعلی مشترک هائی نیز با یکدیگر دارند. هم - چنین در این جدول میتوان انزوی سیاسی گروه همنام (که با جناح بنی صدر ۲/۱ درصد که نیده مشترک دارد و با حزب جمهوری اسلامی ۲/۵ درصد باخوسی مشاهده کرد. حزب جمهوری اسلامی از همان اولین روز اعلام آمار رسمی انتخابات در درودوم، با نیت در دست در روز - ناهش نوشت فراکسیون خط امام بسپوزند! و بدین ترتیب به رقیب خود حادالی کرده گویی دست با شد، بر مقابل بنی صدر با ج داد که خط امام "فراکسیون پذیر" نیست! اما "حزب" همچنان خود را جناح و فراکسیون خط امام معرفی می نماید. و با نیکه بر این فراکسیون تلاش خواهد کرد تا از هم بسپوزد و مئی ارتجاعی خود را به پیش برد و طبیعتی است این مسئله بنی صدر را در اجمالتکلات بسپوزی در تحقق بر نامه های بورژوازی خود (با روشهای با ب میل خویش) خواهد نمود.

ج - ترکیب نمایندگان در استانهای مختلف بخوسی میزان آرائی را که هر یک از این سه گروه آورده اند نشان میدهد (۲). ما بنظور که ملاحظه میشود نمایندگان حزب جمهوری اسلامی در برخی از استانها اکثریت است. آرا آورده اند و در برخی دیگر استانها کاندیداهای جناح

- (۲) - لازم بسا در استان این ارقام بر اساس آمار منتشر شده از طرف رژیم است که طبیعتاً تقلبات را بسپوزد.
- (۳) - لازم بسا آدوری است که استفا ده از این آمار فقط نشان دهنده موقعیت این دو گروه نیست بسا یکدیگر میبایند نده الزما به معنی داشتن پایگاه نوده ای (غیر آگاهانه) از این آمار در نقطه نظر آنها می است که در انتخابات شرکت کرده اند و به همه مردم.
- (۴) - انتخابات در درودوم کرمان نشان دلیل اینکه کاندیدای محاسن نیز به درودوم رسیده است با اعمال نفوذ حزب جمهوری اسلامی به تمویق افتاده است!

بقیه از صفحه ۶

اطلاعیه . . .

مردوروی برای انقلاب برای تقویت و بازسازی ارتش است. (ناکیدات همه جا از ماست.)

حال خلق کرد و همه نیروهای انقلابی و مبارزان ما زمان چریکهای فدائی خلق می پرسند رئیس جمهور جنگ طلب کده در ۵۸/۱۲/۱۴ ۵۹/۲/۱۶ دشت پنخسون صدها فرزند لیر بیستم مرگه و مردم بی دفاع آغشته بود و برای فریب توده ها جنگ و صلح ، کشتار و مذاکره را در پیش میگرفت و دروغ میگفت و برنا همه آری ارتش ضد خلقی را از طریق یک حرکت سازمان یافته و ادا ما در سرکوب دریمنا می کردیم تا پیش گرفته بود ، چگونه بگیا رده در ۲۱ اردیبهشت (تا ریح انتشار " کار ۵۹) " صلح طلب " می شود و گام مثبت عملی " جلوسر میدارد و "نگران" سرشوت مبارزات فدای میریالیستی و دموکراتیک خلق ما میگردد؟! آیا جز اینست که ما زیمان چریکهای فدائی خلق علیرغم آنکه در همان "خبر" شماره ۷۲ خود میگوید "همرا هیستمرگه های قهرمان بسرای ادا میسرند با آخربه مقاومت عظیم خود ادا می خواهند

و صلح صلح را به جنگ افروزان ضد خلقی ، به عوا مسل امیریا لیسیم تحمیل خواهند کرد" ، امروز صلح طلبی و پشت کردن به قول و قرارهای خویش را در پیش گرفته است .

در "خبر" ما حزب دموکرات شماره ۷۴ شکلات سنج "در اخباری که آده ما با موضوعی های زیر روبرو هستیم . در خبر مربوط به کامیاران ، مربوط به حمله پیشمرگان حزب دموکرات به مقرها سدا ران آمده است :

"طبق گزارش شادان نمیی ۲ نفر از ابداران کشته ۳ نفر زخمی میشود . این عوامل ارتجاع و امیریا لیسیم تا زمانیکه به هجوم و اعمال خود خاتمه ندهند با بدهران منتظر چنین فرصت مملکی بوده و آنقدر خود کشته و زخمی بدهند که دیگر برای همیشه قعدتیا هم و اعمالگری را از سر بردارند ."

در خبر سخنرانی عبدالرحمن قاسم در مها باد نیز گفته شده است :

"... ضمن محکوم نمودن فرماندهان مسز دور و ارتجایی و جنگ افروزان وابسته و گوش فرمان امیریا لیسیم ، ارتشهای جنگ کردستان تجلیل بعمل آمد ."

اکنون برای خلق کرد این سؤال مطرح میشود که حزب دموکرات چگونه عوا مل ارتجاع و امیریا لیسیم و همچنین بقول حزب دموکرات عوا مل رژیم ضد خلقی دست نشاند که به کردستان هجوم آورده اند و قصد اشغالگری دارند و جنگ افروزان وابسته را فراموش کرده و بیکاره " دستجات صلح و ایست " را علم میکنند و فقط از "خدا فل جنگ افروز در کامیت گله میکنند که "چرا حقوق عادلانه و طبیعی خلق کرد را نادیده می گیرند و زمینه را برای "گسترش میدان عمل نیروهای وابسته" (؟) فراهم می آورند . آیا رژیم به هجوم و اشغال خود خاتمه داده است و دیگر قصدتها هم و اشغالگری ندارد که حزب دموکرات با خواهی و تمنا خواهان مذاکره میشود؟ آیا ایست معنی در نطفه خفه کردن توطئه

مردوران خاش؟ خلق کرد که همیشه سرخویش را بالا نگه داشته و هیچگاه تسلیم نشده است به این سئوالات جواب منفی می دهد .

به این ترتیب مشاهده میکنیم "پیام" مشترک ، حقایق دربارها را ملسن شروع جنگ ، جنگ افروزان و جنگ طلبان را و برنا همه ای که تا کنون اجرا کرده و اجرا می کنند تنها بیان نمی کنند ، بلکه واقعیات را وارونه جلوه میدهند و سرچنگ افروزان و جنگ طلبان را یعنی کل هیئت حاکمه آب نظیر می ریزد و کشتار و سرکوب خلق کرد توسط آنها را با سکوت برقرار میکند . "پیام" مشترک با علم کردن " دستجات صلح و ایست " بر تبلیغات رژیم علیه جنگ مقاومت خلق کرد متمرکز تا شدیدی زندوب "مسئول" خواندن دونروی امضا کننده پیام نیروهای دیگر از جمله شیخ عزالدین حسینی ، کوهله ، بیکار ، و . . . را جزو " دستجات صلح و ایست " قرار می دهد و همچون حزب توده خاش مرز بین دوستان و دشمنان خلق و انقلاب را در هم می ریزد .

نمایندگی تشکیل میشود . اگر چنین است چرا آنرا با صراحت اعلام نمی کنید و توده های خلق کرد را از آنها م و سردرگمی بذر نمی آورید؟ این سؤال را بیشتر از هر کسی با یتی از سازمان چریکهای فدائی خلق کرد که آنقدر سنگ "هیئت نمایندگی خلق کرد" را به سینه می زند . امروز این سازمان به توده ها چه جواب میدهد؟ توده ها از این سازمان که در تاریخ ۵۹/۲/۸ پیسی حدود یکماه پیش در "خبر" شماره ۶۴ سنج اعلام می کرد :

"ما هیئت نمایندگی خلق کرد را برای مذاکره و حل مسالمت آمیز کردستان تشکیل دادیم . خلق ما هیئت نمایندگی را بعنوان تشا مرجع ملاحظیتا دربارها مذاکره به رسمیت نشا حسنه و دولت باید برای قطع جنگ در کردستان ، با این هیئت به مذاکره جدی و رسمی بپردازد ."

(ناکیدات ما ست) ، می پرسند در عوض یکماه چه اتفاقی افتاد که شما در "پیام" خود برای مذاکره و

اما نکته دیگری که در این پیام وجود دارد و قابل توجه است اینست که اولاً هیچ صحبتی از هیئت نمایندگی خلق کرد نیست و بکنی بدست فراموشی سپرده شده است و ثانیاً "مبنای مذاکره نه طرح ۲۶ ماده ای که بارها مورد تأیید خلق کرد قرار گرفته است بلکه طرح ۶ ماده ای مینا قرار گرفته است . خلق کرد و همه انقلابیون و مبارزین آن سؤال میکنند که چه شده که یکباره هیئت نمایندگی به بوته فراموشی سپرده شد .

باید از سازمان چریکهای فدایی خلق پرسید چگونه از نظر شما بنی صدر در تاریخ ۵۸/۱۲/۱۴ و یا ۵۹/۲/۱۶ "جنگ طلب" است و "حرکت ارتش حرکتی است سازمان یافته و ادا ما داره در تمامی کردستان هم اکنون زمینه ریزی میشود . . . برنا ما بنی صدر و شوروی انقلاب برای تقویت و بازسازی ارتش است" آمار ۱۳۱ اردیبهشت و در کار ۵۹ "صلح طلب" و . . . ؟!

آتش بس هیچ نامی از "هیئت نمایندگی" نمی برید و با "تشا مرجع ملاحظیتا" رطوری برخورد می کنید که گویا اصلا وجود نداشته است ؟ اگر چنین است اعلام کنید تا خلق کرد تکلیف خود را بداند . آیا "هیئت نمایندگی" برای تشا فقط وسیله ای برای پخش سرد انحصار طلبی تان و عقب راندن و تخطئه نیروهای دیگر نیست و هر زمان منافع سازمانی تان را احباب کنید آت را فراموش می کنید؟ "پیام" و "حرکت" اخیرتان به این سؤال جواب مثبت می دهد . شما که هر زمان مسئله شرکت نیروهای دیگر در ستا مشترک با فعالیت های مشترک مطرح میشد زود "هیئت نمایندگی" را وسیله قرار میدادید و مانع شرکت همه نیروهای انقلابی در فعالیت های مشترک میشدید ، اکنون نشان می دهید که برخوردی فرصت طلبانه با هیئت نمایندگی داشته اید ، نه برخوردی انقلابی . زمانیکه حزب دموکرات با زیر پا گذاشتن توافقات هیئت نمایندگی برای مذاکره گامگانه با دولت کوشش میکرد و به شهران هیئت فرستاد و طرح ۶ ماده ای را ارائه داد ، سازمان چریکهای فدائی خلق شاحه کردستان در اعلامیه ای بتاريخ ۵۸/۱۲/۱۵ تحت عنوان "حزب دموکرات چه میکند؟" "حزب دموکرات را مورد انتقاد قرار میدهد که چرا حرکت تکروانه انجام میدهد و جداگانه به پای مذاکره میرود و حرکت آنرا موجب تشکاف انداختن در صفوف متحد خلق کرد می شمارد . "فدائیان" همچنین در این اعلامیه حزب دموکرات را بخاطر ندادن دیدگاه در تاریخ ۲۶ ماده ای و ارائه طرح ۶ ماده ای مورد انتقاد قرار می دهد . و با لآخره نتیجه میگیرد که : "سازمان چریکهای فدائی خلق ایران . . . با تمام نیرو در جهت تقویت هر چه بیشتر هیئت نمایندگی خلق کرد ، این دستا و ردگرا نقدر جنبش مقاومت خواهد کوشید ."

"پیام" مشترک آشکارا با مواضع قلبی نیروهای امضا کننده آن متفا و است و بجای تا شدیم با زره و مقاومت و تشویق توده ها به ادا ما مبارزه جنگ آنها را محکوم می کند و تسلیم و سازش را تبلیغ می کند . (صلح طلبی) محتوای این "پیام" نه آنطور که سازمان چریکهای فدائی خلق در خبر شماره ۶۹ مورخ ۵۹/۲/۱۴ سنج شاعرا ترا داده اند "ما صلح صلح را به حکومت تحمیل خواهیم کرد" است ، نه آنطور که در خبر شماره ۶۴ مورخ ۵۹/۲/۸ سنج گفته اند "ما آده قطع جنگ و سرگزار می صلح عادلانه هستیم ، بشرطی که رسماً رئیس جمهور دستور آتش بس و اقامی را داده و ارتش فوراً بمباران شهر را قطع و به مواضع قلبی خود برگشته و مذاکره جدی و رسمی آغاز شود" ، این درخواستی عاجزانه و موضعی است تسلیم طلبانه نه که نشاندننده تا بپیگیری و تزلزل سازمان چریکهای فدائی در ادا ما مقاومت و مبارزه بوده و با عت میشود هیئت حاکمه در ستا ارتجایی و ضد خلقی خود در سرکوب جنگ مقاومت خلق کرد با فشاری بیشتری کند .

حزب دموکرات نیز از همین موضع حرکت میکند و آنچه که در خبرنا شماره ۷۴ خود گفته است را زیر پا می گذارد .

اما نکته دیگری که در این پیام "جودا رد و قاسل توجه است اینست که اولاً هیچ صحبتی از "هیئت نمایندگی خلق کرد" نیست و بکنی بدست فراموشی سپرده شده است و ثانیاً مبنای مذاکره نه طرح ۲۶ ماده ای که بارها مورد تأیید خلق کرد قرار گرفته است بلکه طرح ۶ ماده ای مینا قرار گرفته است . خلق کرد و همه انقلابیون و مبارزین آن سؤال می کنند که چه شد که یکباره "هیئت نمایندگی" به بوته فراموشی سپرده شد و انگار نه انگار که چنین "هیئتی" جودا داشته است . آیا تمام پشتیبانی و تا شد هیئت نمایندگی بیپسوده بود و با اکنون هیئت نمایندگی خلق کرد فقط از دو



بقیه از صفحه ۱

شیروهای انقلاب عمان در برابر توطئه های گوناگون، مقاومتهای دلیرانه کردند و با قتل امکا - نایب و سختی گمنام نظیر شرایط طبیعی و انسانی و کمبود شدید کارهای سیاسی و نظامی، شجاعانه از انقلاب و دستاوردهای آن دفاع نمودند. اما محصورهها هزار نفر از نیروهای نظامی انگلیسی و ایرانی که جنگ را تا مرزها و حتی درون خاک بمن دموکراتیک کشاند و از طریق هوا و دریا دهات و مناطق تحت تصرف با مورد استفاده انقلابیون را زیر آتش میگرفت، انقلاب را با ضرباتی سخت مواجهاخت و آنرا مجبوره عقب - نشینی بداخل خاک بمن دموکراتیک نمود (۱۹۷۵). از آن سال بعد، انقلاب عمان مرحله ای از بازسازی نیروها از جنبه های سیاسی، نظامی، ایدئولوژیک را طرح ریزی و تا حدود زیادی پیاپی کرده است و با تلاش قابل تحسینی سعی در حفظ روحیه رزمجویانه توده ها کرده و زلحاط اجتماعی نهادها و نظیر مدارین انقلاب و بیما رستانها را همچنان حفظ نموده است.

انقلاب عمان در بالهای اخیر به ما زما ندهی محقق در درون شهرها، که قبلا بدان توجه کمیتری مبدول داشته بود پیرداخته و علیرغم دشواریهای داخلی و خارجی همچنان در راه انقلاب دموکراتیک - سوسیالیستی خود، در راه سرنگونی رژیم وابسته به امپریالیسم قوی و در راه "آزادی و وحدت میهن" - کوششها را با است - به پیش می رود.

انقلابیون ایرانی از بالهای پیش زید کتریس روابط رفیقانه و سواد در راه ما انقلابیون عمان داشته و در کنار آنها جنگیده و مبارزه کرده اند. متاسفانه در نتیجه تا ما ندان انقلاب دموکراتیک - سوسیالیستی ایران، کشور ما نتوانسته است بصورت با یکا می برای انقلابیون عمان و دیگر انقلابیهای منطقه در آید. امروز رژیم قویس، با یکا میهای متعددی در اختیار نیروهای نظامی آمریکا قرار داده و سلطان سنس عمان بصورت یک با یکا میهای امپریالیستی علیه خلقهای منطقه در می آید.

در این شرایط است که همانند انقلاب عمان و خلق رحمکن و سپهران آن در درون شرایط انترناسیونالیستی کمونیستی و دیگر نیروهای انقلابی و سوسیالیستی ایران قرار می گیرند.

سازمان ما در سال گذشته توانست با سرکازی یک جتن - کدسرای اولین سازمان ایران سرکاز میشد - حمایت سیدرسخ خود را انقلاب عمان را با آن دهد و با آنسال حسن امکانی سرانجام فرا هم نیست. با آنسال مثلا که کوما دستمماسی خود را از حیطه خلق برای آزادی عمان که برچم انقلاب را در آن منطقه حاس - سوافراسه نگاه داشته است، اعلامی دارم و سیم زوش، عمدلی و انقلابی اس جلده را با آن سال سرک می کوسیم.

انقلاب ...

دانشکده های نظامی انگلستان در سجا سوسی و سرگوب خلق بنفع اربابان انگلیسی را فراهمی گرفت به عمان با زگردا نندوبه تخت نشاندند (۱۹۷۱). قباوس با وعده "اطلاعات و بهبود زندگی مردم، با آنسان روبروند. پای سرما به گذار بهای خارجی راه عمان با زگردا در وضع بسیار عقب مانده گذشته تغییراتی در جهت جا بگزینی مناسبات تولیدی سرما یسه داری وابسته ایجاد نمود. این "فرم" بطور موقت تا شراستی در جاذبیت شمارهای انقلاب برای توده های نا آگاه بر جای گذاشت.

مبارزه رژیم علیه انقلابیون با همکاری مستقیم نیروهای نظامی انگلیسی که همچنان حتی در دولت پستهای حاس (وزارت دفاع) را بر عهده داشتند و با کمک افسران اردنی و نیز رژیم شاه و عربستان سعودی گسترش یافت و سیدرسخ بصورت جنگی تمام عیار که در آن سبب افکنها و تا نکها شرکت داشتند در آمد. همینجا با بند زگردا دکه یکی از مهمترین دستاویزهای رژیم ارتجاعی قباوس برای سرکوب انقلاب، بهما به سرکوب "کمونیستیها" و "مخالفین خدا" بود، همان بهما نه ای که برای فریب توده های نا آگاه همواره مورد استفاده نیروهای ارتجاعی بوده است و نمونه اش را در رابطه با کردستان خودمان می بینیم.

بر طرف شود اصولی است که سبب مذاکره با دولت رفت. ۱ - ما هرگونه حرکت ننگرو نه و با هر حرکتی که بخواد نیروهای فعال دیگر در جنبش مقاومت خلق کرد را نادیده بگیرد و خود را نماینده خلق کرد معرفی کند ندیداً محکومی کنیم و نظم منبهم خلق کرد نیز از جنبش حرکتی پیشینیا نخواست هد کرد. امروز هرگونه مذاکره و توافق با دولت بدون در نظر گرفتن همه نیروهای عمده و فعال از نظر ما مردود و محکوم است. ۲ - ما در عین تا شد قطع جنگ تحمیلی و سرقراری آن سبب اصولی، اعلامی دارم قاطعانه به افشاکری - های خود در راه رژیم ما که موا عمل و حرکت با آن ادامه خواهد داد و اجازه نخواهد داد در برابر سر توده ها واقعبات و حقایق وارونه جلوه داده شوند.

۳ - ما "تیم" مشترک س. ج. ف. و حزب دمو - کرات را و محتوای آنرا حرکتی متا بر با منافع جنبش مقاومت خلق کرد می دانیم و متقدم جنبش حرکتی تنها بنفع رژیم ما که نیروهای حاشی جونی حزب توده تا ما میشود و نه خلق کرد.

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر کمینه کردستان

اما امروزه می بینیم؟ حرکتی فدائی خلق همان حرکت حزب دموکرات را دنبال میکند، طرح ۲۶ ماده ای را ناده می گیرند و طرح ۶ ماده ای حزب دموکرات را منساقی مذاکره فرامی دهد. ما همان حرف خودشان را تکرار می کنیم که ما این حرکت در صفوف خلق کردتکا فاجا می کنیم و علاوه بر آن دیگر نمی توان به حرف شما اعتماد کرد و وقتی موضع خود را راجع به "هیئت نما بندگی خلق کرد" "بنگونه قیمت - طلبانه و هشتاد درجه تغییر می دهد.

ما برای ممانعت از به درازا کشیدن کلام، همینجا بر خورده متن "تیم" مشترک س. ج. ف. و حزب دمو - کرات و معنی و مفهوم آنرا خاتمه می دهیم و از همه مردم آگاه و هوشیار کرد که برای رسیدن به حقوق حقه حاسه - های خویش و مبارزات بزرگ افشاری آفریده اند و عوت می کنیم خود به قضاوت بنشینند.

ما نظرات و مواضع اصولی خود را در باره مسوارد فوق بطور مفصلا در زیر اعلام می کنیم و خلق کرد را به قضاوت در باره مواضع و حرکت همه نیروهای فعال در کردستان از جمله سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر فرامی خوانیم. خلق قهرمان کرد و پیکارگر سرکوبان دلاور جنبش مقاومت نشان داده اند که تا کسب خود - مختاری در جرح و جوب ایرانی مستقل و دموکراتیک از پای نمی نشینند و در این راه تا کما بقی که نخواهند با آنها همراه گردند نمی توانند از یکا می در میان توده های کردی خود را بیا شد.

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر کمیته اعلامی دارم که :

- ۱ - خلق کرد و نیروهای انقلابی هیچگاه خواهان جنگ نبوده اند. جنگ آغاز شده در فروردین امسال که به نیت گشتار روسی حاسمانی هزاران تن تمام شده است را همچون سال پیش هیئت که ما ضد خلقی به خلق کرد تحمیل کرده و همچنان آنرا ادامه می رزند. برنامه رژیم ما که سرکوبی و نابودی جنبش مقاومت خلق کرد بوده و از سیاست آن در برابر ایران که هدف سرکوب انقلاب و بازسازی سیستم سرما به داری وابسته رادنیال میکند، جدائی نایدیراست. بنا بر این امروز دست امپریالیسم سرکوب و با به نخراف کشا ندن مبارزات دموکراتیک - سوسیالیستی خلقهای ایران از آنتین هیئت که ما ضد خلقی، ارتش و با سداران آن سپرون آمده است.
- ۲ - مقاومت و مبارزه خلق کرد که در جنبش مقاومت خلق کرد تبلور یافته است مبارزه است برحق و عادلانه و خلق کرد و پیکارگرمان قهرمان آن در مقابل نوظفده ارتجاع و امپریالیسم خلقی اسلحه بدست گرفته اند و قهرمانان به از سر و جنبش خویش و دستا وردهای مبارزاتی شان در مقابل هجوم نیروهای ضد خلقی (ارتش و با سداران) ایضا ع سرجا شده اند. جنبش مقاومت خلق کرد - جنبش خدائی ما سبب مبارزه دموکراتیک و سوسیالیستی خلقهای سراسر ایران برای رسیدن به آزادی دموکراتیک است.
- ۳ - خلق کرد و نیروهای انقلابی آن خواهان جنگ نبوده و اما پناه ندیده این جنگ تحمیلی خاتمه دهد. ما آنها میدانند که هیئت که ما همطور که در گذشته نشان داده است به ما دکلی تن به مذاکره نمی - دهد. بنا بر این تنها با حفظ و ادامه مقاومت خلق کرد و پیکارگرمان آن است که می توان هیئت خاکسبه را مجبور به قبول مذاکره نمود. در هر صورت شرط آنکه دولت ارتکسار و سرکوب مردم کرد دست برداشته و ارتش بدون با دگان ها برگردد و مبارزه امتدادی کردستان

گرامی باد ...

وجود مطلق؛ مکانات بیدار نشی، بیژنک و بیمه، اطاق - های کوچکی که ۳-۲۰۰ خا نوار در کرمانی طاقت فرسای درون این سلولها، در کنار هم زندگی می کنند، زنان و کودکان خرد سالی که همرا ه با پدران و یا هم ولایتی- های خود، ارمیج رودنا هنگام غروب آفتاب که کساده به ۱۷- ۱۶ ساعت می رسد، گارمی کنند و... در اینجا کودکان خرد سالی هستند که ا جاره داده می شوند . بیژن ان تکیده و وزیر فشار زندگی و دولا نده ای هستند که همپا با پسر و عروس و نوه های خود در زیر آفتاب سوزان تابستانی دشت، نل های بزرگی از خاک را به اجرم بدل می سازند تا جیب سرما بیداران بر شود . اینجا فیاه های سخته و دهفانی و دست های پینه - بسته ای که ترک خورده و قاچ قاچ شده اند، هستند که با عربانی شام عمق شتمو استنما سرما بیداری و سلطه میریالیستی را نشان می دهند. این کارگران، روستا شان فقیری هستند که در شرایط وابستگی کامل اقتصاد کشور به میریالیسم جهانی و ناپذیری کامل کثا ورزی جهت دست آوردن لقمه نانی به ۷- ۶ هزار تومان مساعدی کرده اند که در فصل زمستان گرفته اند، نیروی کار خود را نوا ده خود را فروخته و ۷- ۶ ماه از بهار تا پاییز در این کوره ها جسان می کنند .

در چنین شرایطی، خرد اما سال ۱۳۳۸ بود که این تن های خردوله شده در زیر فشار کار، به حرکت درآمدند تا با حرکت خود با نیروی خود، وضعیت زندگی شان را کمی بهتر کنند ولی اینها نیز مثل همیشه، این نیروی ملحق رژیم بنا هاشن ساقت به همراه عوامل کار فرما و وزارت کار بود که به پیشوا ز اعتماد کنندگان شتافتند، ابتدا وعده فریبکاری و جرب زبانی، سپس تهدید و ارباب و در آخر وقتنیی کارگران همچنان مردانه ایستا دند و سرخواستهای خودیای فتر دند، غرض مسلط و تفنگ دژ خیمسان چکه پوش بعنوان آخرین با یخ رژیم وابسته به امپریه بالیسم و در میدان شوهه تن کارگر ز مننده راد رخنه گرفته ساخت، بیدان گرامی باد!

نگاهی به وضعیت کارگران کوره پزخانه ها

کارگران کوره پزخانه ها، اغلب نیمه کاره در نیمه دهقان (نیمه بیرونی) هستند، یک پای آنها در روسیا و پسای دیگرشان در شیراز است. خا نوا ده آنها محل اصلی زندگی آنها روستا است و آنها تنها بدین جهت به شهرها و می آورند که کسری هزینه زندگی خود را با کار در شهر جبران کنند. اما با رشد هر چه بیشتر مناسبات کالسی کارگران کوره پزخانه کم کم از روستا می برند. کوره پزخانه در واقع زندانی است که در آن ایمن زحمتکاران در طول ۷- ۶ ماه زسال به کارگرمترکن ۱۷- ۱۶ ساعت و کنترا نی (کارمزدی) که عمق و شدت استثمار سرما بیداری را می پوئاند، تن می دهند، تا زندگی شان را که از روستا به تنهایی تامین نمی- شود، ادا بدهند. در واقع شهر بعنوان وسیله ای است برای حفظ روستا و آنچه که در روستا است و درست بهمین جهت است که کارگران کوره پزخانه ها همانند اکثریت عظیم کارگران ساختمانی عمیقاً دارای حما ییسی دهفانی بوده و شرط رها نی خود را نه در شهرها و محیط کارخانه، بلکه در بیهود و باریه زراعت و تولید روستا نی دنبال می کنند. بهمین جهت است که آنها جهت تحقق آرزوهای دهفانی خود و حفظ خود بعنوان یک صاحبکار خرد به کار طاقت فرسا و حتی رقابت - آمیز (سیستم کارمزدی هموار با رقابت شوم است)

در دستگا هها بی ۷- ۴ نفر کارگر زن، دختر، کودک و بزرگ خا نوا ده را در خود جا می دهند، مسئول می شوند .

همانطور که گفته شد، کارگران کوره پزخانه یک کاردا شی نبوده و بلکه فصلی است. آنها ۲-۶ ماه از بهار تا پاییز کوهی از خاک را به کوهی از جریهای خا م تبدیل و ذخیره می کنند تا در زمستان و پاییز در کوره ها تبدیل به آجر شوند. همین فصلی بودن کار که بدنیا ل خود جا بجایی و تغییر هر ساله کارگران را بدنیال داریه آنها امکان نمی دهد تا با کار رسته - جمعی در کنار یکدیگر و آشنایی و انس دائمی با محیط کار و شرایط جدید زندگی، هر چه بیشتر به هم نزدیک و از رقابت (که آنها بیخبر و سرما بیداران است) دور شوند و همچنین در اثر مزایا و حقوق و امتیازات رفاهی

برای هر هزار آجر افزایش یافت و کافیت این مقدار در دستمزد را با فروش هر ۶۰۰ آجر قیمت ۴۰۰-۴۰۰ تومان در همان سال مقایسه کنند تا میزان استثمار کارگران روشن شود! بعد از قیام بهمین ماه که زمینه آگاهی سیاسی و بیداری فکر در اقصی نقاط میهن ما نه بیشت از پیش رشد یافت، مبارزات کارگران کوره ها نیز رشد و گسترش بیشتری یافت. آنها بعد از سرنگونی سلطنت همچنان بر خواسته های خود پایدی فتر دند .

در ایدیبهشت ۵۸ کارگران دست از کار کشیده و خواهان افزایش دستمزد، دستکتن و کلاه و کفش و لباس برای همه کارگران، مسکن، مسجد، حمام و مستراح برای کارگران، بیمه شدن و بالاخره خواهان تشکیل شوراهای کارگری شدند. این اعتماد که به نظر هرات دستمزد جمعی کارگران کوره پزخانه ها انا میدبا مقاومت و ارباب ما مورس

- در اینجا کودکان خرد سالی هستند که اجاره داده میشوند . بیژن ان تکیده و وزیر فشار زندگی و دولا شده ای هستند که همپا با پسر و عروس و نوه های خود در زیر آفتاب سوزان تابستانی دشت تللهای بزرگی از خاک را به اجرم بدل می سازند تا جیب سرما بیداران بر شود . اینجا قیافه های سوخته و دهفانی و دستهای پینه بسته ای که ترک خورده و قاچ قاچ شده اند ، هستند که با عربانی شام عمق ستم و استثمار سرما بیداری و سلطه امپریالیستی را نشان میدهند .
- بعد از قیام بهمین ماه که زمینه آگاهی سیاسی و بیداری فکر در اقصی نقاط میهن ما نه پیش از پیش رشد یافت ، مبارزات کارگران کوره ها نیز رشد و گسترش بیشتری یافت. آنها بعد از سرنگونی سلطنت همچنان بر خواسته های خود پایدی فتر دند . در ایدیبهشت ۵۸ کارگران دست از کار کشیده و خواهان افزایش دستمزد دستکتن و کلاه و کفش و لباس برای همه کارگران ، مسکن ، مسجد ، حمام و مستراح برای کارگران ، بیمه شدن و بالاخره خواهان تشکیل شوراهای کارگری شدند .

ملح کمیته ها را برورش و نیروی ملحق کمیته و بر حسب "فدا انقلاب" در مقابل کارگران بکار افتاد . لکن این با رنیز انا دوعومرا سخ کارگران مسبب اصلی پیروزی و بیدار نشی و خواسته های کارگران گردید . شورای کارگری تشکیل شده تا سفا نه بدلیل عدم تجربه سیاسی و نا حدودی بی تقاضی سیاسی کار - گران کوره پزخانه که عمدتاً نای از عقب ماندگی سیاسی آنها است چند نفر از اوستا کارها بعنوان نماینده کارگران انتخاب شدند. بی اعتمادی کارگران به نقش و اهمیت شورا ها جهت دفاع متشکل و رسمی از حقوق خود و عدم شرکت فعالانه کارگران در این انتخابات و دنبال کردن مسئله شورا ها از مهمترین دلایل این وضع بود. این بی اعتمادی جدی بوده است که هنوز کارگرای هستند که حتی شما ندگیان خود را نیز نمی شناسند. اما آگاهی امری نیست که به یکجا متوقف شود. زندگی در هر روزگی می گذرد آگاهی بیشتری را در میان نوده های می پراکند. نوده ها به منافع طبقاتی و وظایف تاریخی خود آشنا میشوند و با دمی کبرند که اگر دنبال سپروزی و خوشحیستی هستند با یدبا رزگ کنند و آرا با نیروی خود بدستی آورند. این امری نیست که کسی به آنها هدیه کند. برای مبارزه کردن شکل و سازماندهی لازم است. همچنان که سرما بیداران برای خود نماینده، دفتر و سندیکا و... و حزب دارند کارگران نیز با یدبا مبارزه با سرما بیداران تشکیلهای خاص خود (شورا با سندیکا) ارا داشته باشند. جملات زیر یکی از کارگران کوره پزخانه که به محوبی بیداری اناکار - ناپذیری آنها بی منافع طبقاتی در میان کارگران را با زگومی کند:

"... ما نماینده ای می خواهیم که چندین سال در این کوره ها جان کنده باشد... درد ما را بداند، حرف ما را بنوا ندزند، از کسی رودر - با یتی نداشته باشد، از کسی نترسد، ما یشی هستیم ..."

بیدار نشی و سیاسی لازم بدست آورده و تثبیت کنند. همه این عوامل، بهترین موقعیت را برای سرما به - داران بوجود می آورد تا با شدت بیرحمانه ای به استثمار کارگران بپردازند و کمترین امکان رفاهی از قبیل سرویس، مسکن، بهداشت، بیمه، مرخصی و... را به کارگران حوا مانزند. متقابلاً این وضعیت سالی ل کارگران کوره پزخانه در کنگار عواملی که گفته شد تبیین می شود که آنها در سطح بسیار پایینی از آگاهی سیاسی و طبقاتی مانده و از امکان متشکل و سازماندهی ضعیفی برخوردار باشند. اعتماد کارگران کوره پزخانه ها در اغلب موارد خلس است اعتمادات ابتدائی طبه کارگران که هنوز خا ییل دهفانی خود را در راست شان می دهد که به نا یبود کردن تولید و وسائل تولیدی یعنی خشت ها و قالیها و... منجر میشود (لودیم) و پس از اعتماد بدلت عدم سازماندهی و متشکل و رهبری، اغلب دستا وردها و تا ثیرات بعدی اعتماد به که منجر به تدا م آن در سطوح دیگر کردد، تا چیز وسیع را بنا بیدار است .

مبارزات اخیر کارگران کوره پزخانه ها

اعتلا ی انقلابی سالهای ۵۷- ۵۶ نمود و آغاز نوده ای خود را با نظا هرات زحمتکاران خسار ج از محدود و اعتماد کارگران کوره پزخانه ها در تابستان ۵۶ آغاز نمود. در تیرماه ۵۶ کارگران کوره پزخانه های خا نوا ده واقع در جاده مهدشهران، اعتماد خود را جهت افزایش دستمزد آغاز نمودند که بر طبق معمول ابتدا رئیس اداره کار و نوا بینه محبت وزیر همرا ه با وعده و وعید و استا ییش از زمانات تا هانسه و سپس سر و کله زاندرها و سرما زبا مسلسل و تفنگ - ها یشان در محل ظا هز شدند. یورش سبانه نظامیان بیش از پیش کارگران را از زن و کودک و مرد به هم نزدیکتر و در مقابل رژیم قرار داد. این اعتماد با استواری و پایدیری کارگران به پیروزی رسید. دستمزد از ۲۸۵ ریال برای هر هزار آجر به ۵۰۰ ریال

مثل همیشه:

حزب توده در مقابل توده

"تا مه مردم" (شنبه ۱۳ خرداد)، آرگوان ورنگشته‌های خا شن حزب توده در مقاله "در کردستان چه میگذرد... در باره باطن" عنا صروا بسته به امیریا - لیسوم و محافل ارتجاعی ایران و بیعت عراق که گویا در حزب دموکرات کردستان "سوخ کرده اند" مینویسد: "در نتیجه تلاشهای مزورانه همین عناصر است که لحظه‌های بسیار مناسب در ماه‌های گذشته (۱۴) و بویژه در دوران بعد از زیمیا تاریخی امام خمینی به مردم کردستان و تلاشهای هیئت ویژه دولت برای کردستان و طرح پیشنهادی ۱۵ ماده‌ای این هیئت اردست رفت و به عنا صرو محافل مخالف حل مسائلت آمیز مسئله کرد - ستان در دستگای هیات نظامی و اداری دولت مرکزی امکان داده‌اند (۱۵) که سیاست خشن خود را... بنظر آساند". (تا کنیا زیمیکار)

اینکه حزب توده بر اساس خط مشی خیا نتکارانه خود همواره مشاطه قدرت حاکم (هرکه میخواهد باشد) بوده و همواره کمونیستها و نیروهای انقلابی را بدونان عاملین کشتار و سرکوب رژیم معرفی میکند، بقدر کافی روشن است و امولا سهمین خاطر هم هست که همواره حقایق را او رو نه جلوه میدهد. در نقل قول بالا نیز همانطور که می بینیم، بلحاظ نوکرمشقی خود قارن نیست "عنا صرو محافل مخالف حل مسائلت - آمیز مسئله کردستان" را بوضوح معرفی کند. اما حقیقت چیست؟ به نقل قولهای ذیل توجه کنید:

"... اثر اربا ربا در کردستان نفعه شوند. آنها کردستان را به عنا صرا کشتاند و مردم کردستان را بطرف ورنگشته‌های اذیت و آزار کردند (!!) . آنها نیز مردم را غارت کردند و همه را کشتند (!!) . دیگر نتانیدید اینها بیعت داد. با بدرستت با کساری (بحران کشتار) شوند". (از سخنان آیت الله خمینی، جمهوری اسلامی، ۵۹/۲/۲۷، تا کنیا زما ست)

"نظرم اینست که دیگر هیچ وجه برای مذاکره جایی باقی نمانده و نیروهای پاسدار و ارتش و آزاد رمری که تا کنون بسیاری شهید و زخمی داده‌اند با همجان با قاطعیت به کار خود که عبارست از کساری (همان کشتار) میگوید) منطقه است. ادامه دهد". (از سخنان آیت الله منتظری، جمهوری اسلامی، ۵۹/۲/۲۸)

"دولت هیچگاه با گروههای مسلح مذاکره خواهد کرد". (بسی صدر - جمهوری اسلامی، ۵۹/۲/۲۸)

"در کردستان کفر با رکسنی و کفر آمریکا شی با اسلامی منعکد". (خامنه‌ای - جمهوری اسلامی، ۵۹/۲/۲۷)

"درود بر پاسداران ساج و ارجان گذشتند انقلاب که با مداکا رسبا و جاسار رسبا ی خود حماه‌های خوین (همان پاکسازی را میگوید) ویرا منقاری خلق کردند". (جرمان، جمهوری اسلامی، ۵۹/۲/۲۳)

"تا آخربین فطره خون جود در بنظر رسیدن جمهوری اسلامی برهبری امام خمینی و پاکسازی از کفار و منافقین و دشمنان اسلام و جمهوری اسلامی

مبارزات زحمتکشان بی مسکن ادامه دارد

مرتجعین زحمتکشان بی مسکن را نزدیک اقامتگاه آیت الله خمینی با چماق مضروب کردند

ابتدای خیابان نیاوران رسید. اما بعلت مما نعت پاسداران در همان محل اطراق کردند. حدود ساعت ۳ بعد از ظهر که دیگر خسته شده بودند، تصمیم گرفتند بهر قیمتی شده خود را با اقامتگاه امام برسانند و تکلیف را بیکسر کنند. بیشری توام با درگسری آنها منحرف شده عده‌ای دیگر از پاسداران با یک آمبولانس به محل بیابند. اما ختم عمیق مردم آنها را وادار کرد که با خواشن تنها از مردم بخوانند که تا آمدن نماینده امام صبر کنند. نماینده امام محض آمدن شروع به سخنرانی کرد و گفت: "شما بی جهت اینجا ایستاده‌اید چون مسئله مسکن به امام مربوط نیست یا بدیش مقامات مسئول بروید". مردم در جواب گفتند که بعد از یکسال و نیم که از انقلاب می گذرد هنوز وعده و وعید داده اند. آزمون می‌کند. ایندا زحمتکشان را زدن سرنج ما را می گرفتند گفتند که به ما مربوط نیست حالا که ما بیابا سخوبا شد، این صحبت را می کنند. سپس نماینده امام در مورد "حسن بکاشی" گفت: "اولا بزرگان خانه‌های مردم شما به آنها مفا جاقی سه و نیم کیلو هروئین دستگیر شده و خلخالی گفته که با اعدا من کنیم". در این موقع زحمتکشان بی مسکن دیگر طاقت نیا ورده و نماینده امام را با شین کشته و به با دکتک گرفتند. پاسداران شخص مذکور را از زیر دست و پای مردم بیرون آوردند و پس از درگیری کوتاهی بین مردم و پاسداران، چند نفر چماق بدست، از دیوار سفیل خانه امام با شین بریده و به زنان و بچه‌های بی دفاع حمله کردند. چند نفر از زنان بر اثر ضربه چماق نقش بر زمین شدند. بدین این وضع مردم را به همان آورد. آنها غممن ابراز تنفر از رژیم جمهوری اسلامی، به چماق پاسداران حمله کردند اما با زیا پاسداران با بدین ختم مردم بکمک چماق‌داران آمده و آنها را از دست مردم خشمگین نجات دادند. پس از آن عده‌ای خیرچین بمیان مردم رخنه کرده و افراد را شنا شای و عده‌ای را دستگیر کردند. مردم که در بافتند این سیاست همه سرمداران حکومت است با ختم عمل را با شنا خنی بیشتر از رژیم جمهوری اسلامی، ترک کردند

مسئله مسکن که از معضلات حوامع سرمایه‌داری بخصوص سرمایه‌داری وابسته می باشد، در طول سالها حا کمیت سرمایه‌داری، زحمتکشان میهن ما را تحت فشار شکننده‌ای قرار داده است. این بحران که ریشه در سلطه سیستم سرمایه‌داری وابسته دارد، اکنون نیز به موازات گراشی و افزایش روز افزون قیمتتها و رشد تورم فشار فزاینده خود را بر توده‌ها، نشان میدهد و رژیم جمهوری اسلامی نه تنها تا کنون یک راه حل عملی در جهت حل مسئله مسکن ارائه نداده است، بلکه جلوی اقدامات مستقلانه و انتقالی توده‌ها را مبنی بر مها دره و اشغال انتقالی هتلها و خانه‌های خالی سرمایه‌داران وابسته و فراری درسباری موارد با گلوله و کشتار رس کرده است. گزارش زیر نمونه‌ای است از ختم توده‌های زحمتکش و حرکت انقلابی آنها در جهت تا مین مسکن در بی بیشتر از ده روز دوندگی و مراجعه به دفتر رئیس جمهور، محل کار و خانه موسوی اردبیلی و اقامتگاه آیت الله خمینی. ساعت ۹ صبح روز دوشنبه ۵۹/۳/۵ حدود ۶۰۰ نفر از زحمتکشان بی مسکن در محل "سا در صربت اسکان" در جنوب تهران گرد آمدند. مردان و زنانی که تنورم و خشتنا کازیکوسوبی مسکنی از طرف دیگر فکسر و محرومیت آنها را دو چندان نموده است امروز با جهره‌های خشمگین مصمم بودند که وضع خود را روشن نمایند. آنها با خیال اینکه آیت الله خمینی از دستگیری "حسن بکاشی" سرپرست سابق ستاد و از مراجعه آنها به اقامتگاه و بی خیراست، قصد داشتند دوباره به "حما ران" محل اقامت آیت الله خمینی بروند. لذا ساعت ۹/۵ صبح جمعیت بوسیله اتوبوس، وانت و... بطرف حما ران حرکت کردند. عده‌ای می گفتند: "رفتن ما بی فایده است زیرا تمام آن سرمایه‌دارانی که ما خانه‌هایشان را گرفته‌اند، ایامویا می خواهم بگیریم دورا ما مرا گرفته‌اند و اما مهم‌تر از آنها حمایت می‌کند". وعده‌ای دیگر در جواب می گفتند: "نه، اما ما دیگران فرق می‌کنند اگر اوضاع ما مطلع شود حتما با ما خوا هرسید". این بحثها همچنان ادامه داشت تا اینکه جمعیت به

داشتن مسکن، حق مسلم زحمتکشان است



اطراف زابل

اربابی نخواهم نشست". (جاشای جمهوری اسلامی - جمهوری اسلامی، ۵۹/۱/۱۶)

"اگر دیوار به دیوار بخواهند زمین هشتتایی که تا کنون هیچ اثری نداشته، درست کنند ما قبل از همه، همین هیئت حسن ست را به رگبار خواهیم بست". (حزب جمهوری اسلامی - جمهوری اسلامی، ۵۹/۲/۲۷)

"ما با اعدا تا ما بنبرویم آنها (خلق کردار) می گوید (خجگیم... هیچ گونه مذاکراتی نباید با دشمن صورت بگیرد بلکه ما دسترمد بیست سریم". (فخرالدین حجازی - جمهوری اسلامی آیا شهود دیگری هم لازمست؟ آیا با زهم در اینکه حزب توده هر روز و وقت مشغول کاسه لیس هیئت "عنا صر و محافل مخالف حل مسائلت آمیز مسئله کردستان" است، جای تکی باقی می ماند؟ آیا همین عناصر و محافل نیستند که حزب توده آنها را "برجمدارما زرات عدا مبریا لیسیتی" معرفی می کند!؟

انتشار کار ۶۱ پروزی جریان مارکسیستی - لنینیستی بر جریان روبریونیستی درون سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

بلکه مضمونهای درست و انقلابی این شماره از کار
نور (عسیر غم) خلافتی که ظنما ما با آنها در رسم جسم -
انداز جدیدی را در مقابل توده‌ها قرار دادیم سازمان
که ما هیأت انرژی و شور و شوق انقلابی آنان در گمان
احترامات عظیم به هدایت، می‌گفتند، جسم اندازی که
بسیاری از هواداران این سازمان که آنها را محالیت
نظرات روبریونیستی حاکم بودند و با راه‌ها و سازها
ایرازا شده‌اند، مستتر آن بوده و ما بهتر می‌توانیم
زمینه‌ها را پیدا کنیم جنس هماننداری بوده‌اند.

ما به همراه کلیه نیروهای راستین جسمی
کمونیستی و توده‌های م.ل این پیروزی را که امروز
با مبارزه بدشولوزیک علی‌جبهه جریان روبریونیستی
حاکم، درون سازمان چریکهای فدایی خلق مشخص می-
شود، این رفقا تریک گفته‌اند و از روندیم که این رفقا
بنوا نند در آنجا مدبر و روابط متعدد و سرگرم کمونیستی
توفیق با بند.

کار ۶۱ (که بنا بر تاریخ ۵۹/۳/۱۳ تهیه‌وسا
جندوروسا حیراننا ربا فته) منتشر شد. این شماره از
کارها نگر محور نظرات جریان م.ل درون سازمان
چریکهای فدایی خلق در مورد "هیئت حاکمه" و "مفهوم
مبارزه‌ها" میربا لسنی و برخی موانع انحرافی جریان
حاکم می‌باشد. این شماره از کارها رکا رمبرت و شادمانی
نمای نیروهای راستین جنس کمونیستی و توده‌های
م.ل را برانگیخته‌است. هم‌چنانکه با عت با راحی و
"نکراتی" حزب خائن و ورگشته توده‌سیرگشته‌است
(مردم یکشنبه ۵۹/۳/۱۸) در این شماره از کارهای
اولین بار می‌توان موانع صریحی در مورد "حاکمیت"
و "مفهوم مبارزه‌ها" میربا لسنی دریافت نمود. مسأله
که جریان روبریونیستی حاکم از این مریح آن طرفه
رفته‌وساست و موانع خود را از این حادثه‌ها جدا می‌کند
دیگر که همه‌وشتا در درجه‌نمی‌تواند است. اما این فقط
مراحت کار ۶۱ نیست که هر کمونیستی را خوشحال نمکند

رفقای دانش آموز خوش آمدید!

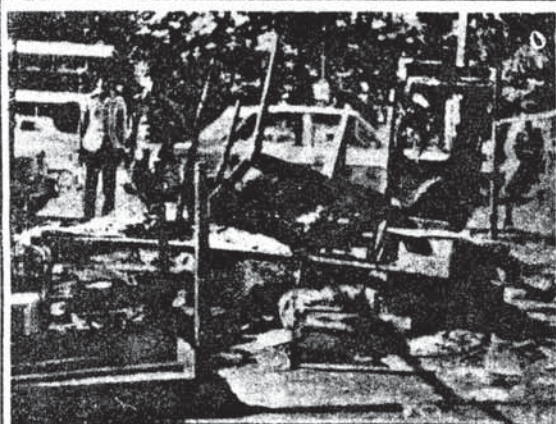
اطلاع یافتیم که مکتب دانش آموزان "مبارز
طرفدار آزادی طیفه‌کار رکر" به وجود، ضمن مسدود
اطلاعیهای بنا بر تاریخ ۵۹/۲/۲۵ به دانش آموزان هوادار
سازمان در بر وجود بیست و دو سالین بیست و دو سالین
بیکار در در آزادی طیفه‌کار رکر "به‌ویژه با انقلابی
خود عمل خواهد کرد. این رفقا در اطلاعیه خود ضمن
نویسنا بیرون مسئله جنس دانشجوی و دانش-
آموزی و بیرون کردن کوششهای عقلی و نظری که برای
رادیابی به‌عنوان منظم انقلابی و جلوگیری از هرز-
روی نیروها ضرورت دارد، چنین نوشته‌اند:

"ما پس از آن با توجه به فرمول: نزدیکی سیاسی-
ایدئولوژیک، برآدمسیایی و بیابکا توده‌های گروه
مورد نظر به بررسی سازمانها و گروههای نزدیک بخود
پرداخته و پس از بررسی و مطالعه ما زمان بیکار در در
آزادی طیفه‌کار رکر نزدیک ترین سازمان بخود
یافته و پس از طی پیرو، وحدت با دانش آموزان هوا-
دار سازمان بیکار در در آزادی طیفه‌کار رکر به وجود
از لحاظ نتایج آنها نیز با آنها وحدت نمودیم.

امید است که در آینده بتوانیم موانع و چگونگی
طی پیرو، مبارزه بدشولوزیک خود را با نظریه اول
(با توجه به استقبال دانش آموزان و لزوم جنس امری)
مفصل تر با شما رفقای دانش آموز مطرح سازیم."
رفقای دانش آموز!

سازمان ما به شما رفقای عزیز خوش آمد میگوید و
دستان را به گرمی می‌فشارد.

پیروز با عشق



اعتراض اتحادیه کتابفروشان کنار خیابان به حملات اوپاشان به دهکده‌ها و کتابفروشیها

اتحادیه صنف کتابفروشان کنار خیابان در
رابطه با حملات سازمان یافته اوپاشان به
دهکده‌ها و کتابفروشیها نامه سرگشاده‌ای به
رئیس جمهور و شورای انقلاب نوشته‌اند که
در زیر قسمت‌هایی از آنرا ملاحظه می‌کنید:

فروشان کنار خیابان با به دست گرفتن کتاب به زیر
رکاب مزدوران رژیم سابق رسالت خود را که رساندن
آگاهی به مردم است و از این راه خرج زندگیمان
تا مین می‌شود انجام داده‌ایم. دهیم.

بعد از ضایع شده‌های وسیعی از مردم روبریونستی
آوردند و از کتاب با اسلحه‌های ساختند در برابر دشمنان -
شان ولی متأسفانه این روزها حملات گسترده‌ای از
طرف مراکز فاسدی و عده‌ای اوپاشان به کتابفروشان
کنار خیابان شروع شده و می‌رود که یکی از دستاوردهای
این قیام را از زمین ببرد و هر روز دهکده‌ها و کتابها به
وسیله این عناصر خالی و پاره یا سوزانده می‌شوند
و تاکنون خسارتهای زیادی به کتابفروشان کنار
خیابان وارد آورده‌اند...

(ما) از تمامی مردم آگاه و هم‌بازار ایران و نیروهای
انقلابی میخواهیم در مقابل این بورشیا ایستادگی
نموده و ما هیئت این دستجات را که از رشد آگاهی مردم
هراسناختن کنند.

"ما خونین بهمن ما یکی از خونخوارترین
دیکتاتورهای وابسته به میربا لسنیم آمریکا را به
زباله‌دارن تاریخ سپرد، این قیام خونین توانست
دستاورداتی به همراه داشته باشد، یکی از این
دستاورددها آزادی سیاسی و نشر کتاب بود، اما کتاب -

منتشر شد:

موانع انحرافی جریان چریکهای فدایی خلق

**تهاجم گسترده روبریونیسم
علیه مارکسیسم - لنینیسم**

کتاب ۶۱

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۰۰۰ تومان

مکان: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۰۰

تلفن: ۱۲۳۴۵۶۷

پخش: ۱۳۵۹ خرداد ۱۹

کمکهای مالی دریافت شده

الف	۳۱۲۰۰	د	۱۶۲۲۰	ف	۵۱۰۰
"	۱۰۰۰۰	ز	۲۵۰۰	"	۳۴۴۰۰
"	۵۵۰۰	"	۵۷۰۰	ق	۱۱۵۰۰
"	۲۸۰۰	"	۲۰۵۰۰	ل	۲۷۵۰۰
"	۳۵۰۰	ز	۸۸۲۰	"	۷۲۸۰۰
ب	۱۱۰۰۰	س	۱۴۰۰۰	م	۲۵۲۰۰
"	۵۴۰۰۰	"	۷۰۰۰	"	۶۳۰۰۰
"	۸۲۰۰	"	۲۰۰۰	"	۱۸۱۰۰
ت	۶۸۰۰	"	۲۱۴۰۰	"	۴۵۰۰
ج	۲۱۰۰	ث	۲۲۷۲۸۰	"	۳۰۰۰
ح	۱۹۲۰۰	ص	۱۱۵۰۰	"	۳۰۰۰
خ	۲۱۵۰۰	ط	۷۰۲۰	"	۳۱۰۰
ط	۴۵۰۰	"	۱۱۰۰۰	"	۱۸۶۴۸۰
"	۱۱۰۰۰	ع	۱۲۳۰۰	"	۲۲۰۰۰
"	۱۱۱۰۰	"	۳۰۰۰	"	۵۲۰۰۰
"	۱۰۱۴۰۰	"	۲۵۰۰۰	"	۵۲۰۰۰
خ	۳۰۰۰	"	۱۱۰۰۰	"	۱۹۲۰۰
"	۲۳۰۰۰	غ	۱۱۳۲۷۰	"	۴۵۰۰
د	۱۴۸۰۰	ف	۱۴۰۰۰	"	۲۰۷۰
"	۸۸۰۰	ا	۵۷۰۰۰	"	۳۵۷۸۰

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست